

مقایسه معماری «مساجد و کاخ‌های» قاهره با اندلس - مغرب در قرن چهارم و پنجم هجری قمری

محمدعلی چلونگر^۱
مریم بریحی نژاد^۲

چکیده

اعراب مسلمان با خروج از شبه جزیره و ورود به مناطق همجوار، از شیوه‌های معماری موجود در این مناطق شروع به تقلید کردند. آنها توانستند ماهرانه دگرگونی‌های فراوانی هماهنگ با تعالیم جدیدشان در آن به وجود آورند. در مصر و اندلس - مغرب در غرب متصرفات اسلامی، شاهد رواج معماری مسلمانان هستیم. علی‌رغم اساس قرار دادن معیارها و تعالیم دین اسلام در ساخت بناها، شاهد تفاوت معماری اسلامی در دنیای اسلام می‌باشیم. معماری هر ناحیه‌ای از نواحی دنیای اسلام، با شماری از ویژگی‌های خود متمایز می‌گردد. متأسفانه در تاریخ معماری اسلامی، ویژگی‌های خاص هر ناحیه و علل تفاوت آن از ناحیه دیگر، به‌درستی تبیین نشده است. از این‌رو، در این مقاله با این سؤال روبه‌رو هستیم که تشابهات، تفاوت‌ها و تأثیر و تأثرهای متقابل بین معماری قاهره با معماری اندلس - مغرب وجود دارد؟ (سؤال). معماری قاهره در دوره فاطمیان، بیشترین تأثیرپذیری را از اندلس - مغرب داشته است (فرضیه). بررسی تشابهات و تفاوت‌ها و یا به عبارتی دیگر، مقایسه معماری قاهره با اندلس - مغرب، مقصدی است که این مقاله پی می‌گیرد (هدف). در این نوشتار، سعی بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی

^۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: m.chelongar@yahoo.com

^۲. دکتری تخصصی تاریخ اسلام، مدرس دانشگاه پیام نور بندر امام خمینی (ره): M.sh80@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۰

مقایسه‌ای و بر مبنای تحقیقات متقدم و بازسازی‌های دانشمندان معماری و تا حدودی تحقیقات متأخر، به مقایسه معماری قاهره با معماری اندلس - مغرب پرداخته شود (روش). بدون شک، می‌توان اذعان داشت که تأثیر و تأثراتی مابین معماری قاهره و اندلس - مغرب وجود داشت (یافته).

واژگان کلیدی

معماری، قاهره، اندلس - مغرب، قرن چهارم و پنجم.

مقدمه

مسلمانان بعد از به وحدت رسیدن به جهاد و فتوحات اشتغال یافتند و توجه چندانی به ظواهر دنیوی نداشتند. بعد از فتوحات به ساختن شهر و ایجاد ابنیه در آنها مبادرت ورزیدند. مسلمانان در ساخت شهرهای جدید به بهترین نحو از دستاوردهای ملل مفتوحه بهره بردند و شهرهای خود را توسعه بخشیدند.

مساجد از مهم‌ترین بناهای مذهبی بود که به دست مسلمانان در شهرهای جدید ساخته شدند. این اماکن مهم‌ترین تجلی معماری اسلامی به شمار می‌آیند. کاخ‌ها از دیگر بناهای مسلمانان بودند که بعد از فتح سرزمین‌های تازه و روی آوردن به زندگی مرفه به ساختن آنها مبادرت ورزیدند. همزمان با افول قدرت مرکزی عباسیان در قرن سوم هجری قمری و تجزیه خلافت در دوره دوم، علاوه بر خلافت عباسیان در بغداد، خلافت فاطمیان در قاهره و امویان در اندلس و جانشینان آنها در مغرب شکل گرفت. در قرن چهارم هجری قمری در قاهره فاطمیان مساجد و کاخهایی با عظمتی خاص و نقشه‌های زیبا خلق کردند جانشینان آنها نیز معماری اندلس را در مغرب پدید آوردند و شکوفا کردند. در حقیقت پیوستگی سیاسی حکومت مغرب - اندلس تشابه و یکسانی اسلوبهای معماری در این دو ناحیه را به ارمغان آورد. هر چند در معماری اسلامی قاهره و اندلس غرب اعتقادات و مبانی اسلامی اساس ایجاد آن بود لیکن معماری هر شهر با شماری از ویژگیهای خود متمایز می‌گردد. ویژگی بارز در هر ناحیه معلول عواملی چون، جغرافیا، اقلیم، سیاست، تجارت، انتقال صنعتگران و ارباب حرف، مهاجرت علما و ارسال والیان و حکام از یک سرزمین به دیگر سرزمین‌ها است. این نوشتار در جهت مقایسه معماری مساجد و کاخهای اسلامی در قاهره و اندلس - مغرب، از منظر تشابهات، تفاوتها و تأثیرات متقابل بر آن

است تا اثبات نماید که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در معماری قاهره و اندلس - مغرب وجود دارد که در این روند، دین، سیاست به کار بردن مصالح و روش‌های بنای محلی، نقش مهمی ایفا می‌کند. برای اثبات این مسئله در طول بحث، این موضوعات مورد نظر است:

- عوامل تأثیرگذار بر معماری اسلامی؛

- بررسی معماری اسلامی در قاهره، اندلس - مغرب؛

- تبیین تفاوت‌ها و تشابهات معماری.

فرایند شکل‌گیری معماری اسلامی (مساجد - کاخ‌ها)

قبل از وارد شدن به این مقوله به طور اجمالی به معماری اسلامی می‌پردازیم. در تعریف معماری اسلامی بحث و جدل‌های فراوانی صورت گرفته است. ارنست گروپ در مقدمه کتاب خود با عنوان *معماری در جهان اسلام* سؤالاتی مطرح می‌کند. آیا چیزی به نام معماری اسلامی وجود دارد؟ آیا منظور از معماری اسلامی، معماری است که مسلمانان آن را برای خدمت به دین اسلام مانند مسجد مقبره، مدارس، به کار بردند؟ و یا اینکه منظور معماری است که در سرزمین‌های اسلامی نشئت گرفت؟ پس اگر اینگونه باشد منظور از واژه اسلام در آن چیست؟ اگر واژه اسلامی صفتی نیست که صرفاً ارزش‌های دینی را مشخص کند پس می‌توان گفت این صفت (اسلامی) نوعی از معماری را معین می‌کند که ارزش‌های فرهنگی تمدن اسلام را منعکس می‌کند؟ (Ernst J. Grobe, 1978, 77)

در حقیقت زمانی که صحبت از معماری اسلامی به میان می‌آید منظور معماری است که اصول آن یا در قرآن کریم نص شده است یا در احادیث رسول ﷺ و یا ائمه اطهار از این مفهوم استنباط می‌شود که در مقابل معماری اسلامی، معماری غیراسلامی وجود دارد. همه این موارد ما را به مطرح کردن ۲ سؤال سوق می‌دهد، ۱. از معماری اسلامی چه چیزی (عناصری) اسلامی است؟ ۲. چه چیزی معماری را اسلامی می‌کند؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان معماری در اسلام را به دو گونه تقسیم کرد: معماری غیراسلامی، معماری اسلامی: معماری غیراسلامی که مخالفت آشکاری با نصوص شرعی دارد و نمی‌توان صفت اسلامی را به آن اطلاق نمود مانند بناهایی که طوری طراحی می‌شوند که از حریم خانواده پرده‌برمی‌دارند. اما معماری اسلام معماری است که در آن اصول تعالیم اسلامی رعایت شده است (م. فرحات طاشکندی، ۱۹۸۶؛ ۷۱). البته می‌توان به جای به کار بردن معماری اسلامی

اصطلاح معماری اعصار اسلامی را به کار برد. این اصطلاح می‌تواند بر همه الگوهای معماری که از لحاظ کارکردی با عقاید اسلامی مرتبط هستند منطبق است. معماری اعصار اسلامی با این مفهوم از لحاظ اعتقادی معماری جهانی به شمار می‌آید، نظر به این که اسلام دین همه زمان‌ها و مکان‌هاست. (د. عبدالباقی ابراهیم، د. صالح لعی، ۱۹۹۰: ۱۴) با همه اختلاف نظرها در خصوص کاربرد اصطلاح مناسب برای معماری اسلام، اصطلاح متعارف بین همه جهان معماری اسلامی است که بیشتری کاربرد در این مقوله را دارد.

عوامل شکل‌دهنده معماری اسلامی

۱. شریعت اسلامی؛ ۲. عوامل سیاسی؛ ۳. مصالح و روش بنای محلی؛ ۴. تأثیرات آب و هوایی.

۱. شریعت اسلامی

اصول بسیاری در معماری اسلامی وجود دارد که شریعت اسلامی به آن دستور داده و تأثیر بسیاری در طراحی و ساخت بناهای اسلامی دارد از جمله:

الف) مقدس شمردن ازدواج و تشکیل خانواده

اسلام به کانون خانواده توجه زیادی کرده و آن را رکن اساسی در جامعه اسلامی سالم قرار داده است. از نظر دین مبین اسلام اولین اقدام برای توجه به خانواده تأمین جا و مکانی برای سکونت و امنیت آنها است. خداوند باری تعالی در قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (د. احمد کمال عبدالفتاح، ۱۹۸۹ م: ۵۵).

ب) حجاب و پوشش زنان

تعالیم دین اسلام، رابطه و تماس بین دو جنس مخالف را حرام دانسته مگر در موارد ضروری چون تعلیم و تطیب و بیع و شراء همچنین شنیدن صدای زن و کشف آن در برابر نامحرمان حرام است «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» (النور/۳۱). این فرمان و دستور شریعت اسلام به وضوح بر طراحی مسکن اسلامی و بسیاری از عناصر معماری اسلامی تأثیرگذار است. به طوری که در خانه‌های مسکونی جایی مخصوص به زن طراحی شده

به نام (الحرملک) که از مهم‌ترین ویژگی شخص آن کناره‌گیر بنا از اماکن مخصوص به مردان (السلامک) بود. تالارهای استقبال طوری طراحی می‌گردید که به زنان کمک می‌کرد که جشن‌ها و مهمانی‌ها را که سرپرست خانواده برپا می‌کرد را مشاهده کنند بدون اینکه کسی آنها را ببیند. مجالسی بر جانب قطاع بالای تالارها برای زنان ساخته می‌شد که بر تالار اصلی از طریق دهانه‌هایی اشراف داشت که زنان بتوانند از آن دهانه‌ها (روزنه) مراسم را مشاهده کنند. همچنین ساختمان داخل خانه به گونه‌ای طراحی می‌شد که شامل راهروهایی بود که به اهل خانه اجازه می‌داد بدون استفاده از راهروهای تالار پذیرایی از یک جهت به جهت دیگر خانه رفت و آمد داشته باشند (د. عزة حسین رزق، ۱۹۹۱؛ ۴۶۰) همچنین تالارهای پذیرایی مجهز به دولاب‌هایی بود که در هنگام پذیرایی مهمانان توسط زنان از آن استفاده می‌شد که به صاحب خانه کمک می‌کرد پذیرایی از مهمانان طوری صورت بگیرد که حرم خانه دیده نشوند. این دولاب از مجموعه‌ای قفسه‌ها تشکیل می‌شد که حول محور چوبی می‌چرخید که خوراکی‌ها و مشروبات پذیرایی در این قفسه‌ها توزیع می‌شد و دولاب به سمت داخل تالار می‌چرخید و آنگاه صاحب خانه آنچه بر روی قفسه‌ها قرار داشت به مهمانانش تقدیم می‌کرد.

ج) اسلام، دین طهارت و پاکیزگی

تعالیم اسلام به حفظ بهداشت عمومی تأکید می‌کند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره/۲۲۲) رسول خداوند نیز می‌فرماید: (النظافة من الایمان) وقتی نماز ستون دین است و وضو از ارکان نماز است بنابراین مسلم است هر مسلمان روزانه قبل از هر نماز به وضو و حداقل هفته‌ای یک بار با آب جاری پاکیزه به حمام می‌رود. اصل طهارت بر طراحی بناها تأثیرگذار بود و سبب تقسیم آب بر همه قسمت‌های بنا گردید. (احمد فرید مصطفی، ۱۹۹۸: ۵۶).

د) سادگی (اسلام، دین تواضع و مساوات)

سادگی جزئی از تواضع و دوری از غرور و تکبر است که زینت انسان مسلمان به شمار می‌آید. قال تعالی: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان/۱۸) این اصل از اصول تعالیم اسلام نیز بر معماری اسلامی تأثیرگذار بوده است: علی رغم عظمت و قداست کعبه، بنای مکعب مستطیل شکل ساده و مسجد نبوی (شکل اولیه) نیز بسیار بی‌آلایش و ساده بوده است (احمد کمال، ۱۹۸۷، ۵۳) در سایر

بناهای مسکونی مسلمانان نیز تأکید شده که به سادگی طراحی شود تا با آرامش در آن سکونت کنند.

ه) اسلام، دین تحصیل و علم

این اصل در بناهای اسلامی همچون: مساجد، مدارس و مکاتب منعکس گردیده است (همان).

۲. عوامل سیاسی

رونق معماری اسلامی پیوستگی آشکاری با استقرار اوضاع سیاسی و خواسته‌های شخصی فرمانروایان داشته است. این ارتباط به اندازه‌ای است که می‌توان سبک هنری هر دوره را به دولت‌های حاکم در آن دوره نسبت داد. به همین دلیل در تعیین آغاز و انجام دوره‌های معماری در تاریخ اسلام، می‌توان تا حد زیادی بر تقسیمات سیاسی تأکید کرد. معماران مسجدها و کاخ‌ها را به دستور خلیفه یا امیر بنا می‌کردند (انور الرفاعی؛ همان، ۱۲). هر حاکم از هر کجا به جایی که محل حکومتش بود می‌رفت، شیوه معماری آن منطقه را با خود به محل جدید خدمتش حمل می‌کرد.

۳. مواد و شیوه بنای محلی

- اولین بناها در تاریخ اسلام، چه از نظر ساختمان و چه از نظر مواد و وسایل مورد استفاده در آنها بسیار ساده بودند. از گل، سنگ و شاخه‌های نخل استفاده می‌شد. با انتشار اسلام و پراکندگی جغرافیایی معماری اسلام تحت تأثیر فرهنگ‌های جدید قرار گرفت. بنابراین تفاوت در شکل بناها به دلیل پیروی از ساختمان‌های محلی و مواد و شیوه بنای رایج در هر ناحیه، به وجود آمد. علی‌رغم وجود اختلاف در برخی عناصر معماری در نواحی مختلف اسلامی با وجود این، هنر اسلامی به یکپارچگی خود ممتاز است (عمار جعفر، ۱۹۹۱؛ ۴۳)

۴. تأثیرات آب و هوایی

وضعیت آب و هوایی به جهت‌گیری زندگی در برابر شرایط طبیعی با تأکید بر ظاهر عمومی بناها در دوره‌های اسلامی کمک بسیاری کرد. در صدر اسلام بیشتر والیان شهرهای جدید خود را در اطراف صحراء ساختند. زیرا محیط گرم به پناه بردن به فضای داخل، کمک کرد. این فضای داخلی، چه خانه، چه خیابان و یا شهر، به طور کل هدف از ساخت آن، ایجاد حمایت از آب و

هوای گرم بود. عامل مهمی که کمک بسیاری به ایجاد تفاوت بزرگ بین فضای خارجی وسیع و فضای محدود در داخل کرد که در میدان‌های عمومی و حیاط داخلی بنا نمود پیدا کرد (د. عبدالباقی ابراهیم، ۱۹۸۲: ۱۱) در حقیقت تأثیرات آب و هوایی از عوامل اساسی در شیوه معماری بود که نقش فعالی در حل برخی مشکلات آب و هوایی داشت (د. محمد بدرالخولی، ۱۹۷۵: ۲۲) - پیروی از الگویی تجمع ساختمان‌ها در شهر:

نتیجه آن کاهش تعرض سطح‌های خارجی ساختمان در برابر شعله سوزان خورشید. همچنین این شیوه سبب ایجاد سایه برای دیگر ساختمان‌های مجاور می‌شد که پیامد آن محدود ساختن انرژی گرمای به داخل ساختمان‌ها.

- حمایت عابران پیاده از اشعه سوزان آفتاب در اثنای انتقال آنها از قسمتی به قسمت دیگر شهر در روز با ایجاد سایه، از طریق راهروها.

فرایند شکل‌گیری معماری اسلامی (مساجد - کاخ‌ها)

معماری اسلامی، مساحت وسیعی را از لحاظ مکانی و زمانی در جهان پوشش داده است؛ به عبارتی دیگر، از نظر انتشار و پراکندگی، گسترده‌ترین معماری جهان است؛ از خلیج بنگال در هند تا شبه جزیره ایبری. در بررسی این معماری، به این نکته پی می‌بریم که این معماری، بیشتر یک معماری مذهبی است که در همان دوره‌ای که به اسلوب خاصی دست یافت، سایر شیوه‌هایی را نیز که شناخته بود، اقتباس کرد. در بیشتر موارد نیز از رفاه دولت و تمایلات شخصی حکام تبعیت می‌کرد (انور الرفاعی، ۱۳۷۷: ۴۷). و روش و اسلوب آن، از مکانی به مکان دیگر و از دولتی به دولت دیگر متفاوت بوده است؛ به عبارتی، اسلوب و شیوه معماری ثابت و محدودی وجود ندارد که بتوان با توصیف آن اسلوب معماری اسلامی را با صفتی عام وصف نمود. اما بر خلاف معماری جهان اسلام، در اروپا می‌توانند تاریخ معماری کلیساها را بنویسند و آن را به دوره‌های مشخص با ویژگی آشکار تعیین کنند. علت این امر را حسین مونس تنظیم عمومی معماری کلیساها و حرص ادارات کلیساها در محافظت بر سطح و شکل معین معماری کلیساها می‌داند (حسین مونس؛ ۱۹۸۱: ۶)

به هرحال معماری اسلامی با طراحی مسجد الرسول در مدینه متولد شد. این طراحی اولیه الگویی برای دیگر مساجد اسلامی گردید. در حقیقت مساجد مهم‌ترین بناهایی بودند که به دست مسلمانان ساخته شدند. ساختمان مساجد در ابتدا ساده و مرکب از یک بنای چهارگوش بود که

سقف آن بر ستون‌هایی از تنه نخل قرار می‌گرفت ولی بعدها ساختمان مسجدها تغییراتی یافت. می‌توان گفت معمولاً بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجدها شامل یک صحن بزرگ و روباز هستند که اغلب در وسط آنها حوض آبی قرار دارد. گرداگرد این حیاط چهار رواق بر ستون‌هایی برافراشته شده‌اند که رواق رو به قبله بسیار وسیع است و محراب و منبر در آن قرار گرفته است. این رواق را حرم (شبستان) می‌نامند (انور الرفاعی، ۱۳۷۷؛ ۴۶)

اما در خصوص نوع دیگری از بناهای مسلمانان یعنی کاخ‌ها باید گفت که اعراب مسلمانان بعد از فتح سرزمین‌های تازه به زندگی مرفه روی آوردند و با ساختن کاخ‌های مرفه به تقلید از دیگران دست زدند. در دوره خلفای راشدین در حجاز کاخ‌های دو و سه طبقه ساخته شد. در دوره اموی، خلفا و امیران برخی از کاخ‌های رومی موجود در دمشق و سایر نواحی شام را مورد استفاده قرار دادند و کاخ‌های فراوانی نیز خود بنیان نهادند. (همان، ۷۴) اما متأسفانه امروز تمامی کاخ‌های امویان از بین رفته است و اغلب آگاهی ما از این بناها، مطالبی است که در کتاب‌ها آمده است. از اقامتگاه‌های صحرايي و امرای اموی سخن به میان آمده است. در طول نیم قرن اخیر نظریات مختلفی درباره علت وجودی اقامتگاه‌های اموی در صحرا و بیابان وجود دارد. براند چند ایده در این خصوص در کتاب خود ذکر می‌کند. وی به پنج مورد برای عملکرد اقامتگاه‌های صحرايي اموی بیان می‌کند. ۱. آنها را محلی امن در خارج از شهر برای جلوگیری از ابتلاء به طاعون (که مرتباً در اواخر دوره اموی سوریه شایع بود) ۲. آرزوی بازگشت به گذشته و بیابان برای آن دسته از اعراب که ریشه‌هایشان در فضای تجاری اولیه‌گارشوی شهر حجاز نبود ۳. از لحاظ اقتصادی چنین اقامتگاهی می‌توانست مرکز طبیعی یک بهره‌برداری کشاورزی باشد. ۴. از لحاظ سیاسی این اقامتگاه‌ها با متفرق کردن امیران خاندان سلطنتی، خطرات نشئت گرفته از تمرکز خانواده سلطنتی را کاهش می‌داد (براند، ۱۳۸۰؛ ۳۸۵). ناگفته نماند که جلال و شکوه برای این‌گونه بناها امری فرعی بوده است. در حقیقت این اقامتگاه‌ها را می‌توان آخرین تجسم «حیره» یا «بادیه» پیش از اسلام تعبیر کرد (براند، همان، ۳۸۶).

مع هذا، شواهد باستان‌شناسی اخیراً، سیمای جدیدی از کاخ‌های اموی به دست می‌دهد که با سیمای کاخ‌های صحرايي آنها متناقض است. دو کاخ بزرگ اموی، خربه المفجر و مشتی، در برهم زدن تصویر کلی معماری کاخ‌های اموی نقش مهمی دارند. کاخ‌های امویان محصوره مربعی است که یا متشکل از یک ساختمان مانند قصر الحیر، و یا مرکب از بیش از یک ساختمان است مانند کاخ المفجر که شامل قصر، مسجد و حمام. در کاخ اموی تزئینات گوناگون به چشم

می‌خورد، از جمله ایجاد پنجره‌های متعدد، رسم اشکال و تصاویر بر سقف و دیوارها، فسيفساء کاری.^۱

جانشینان امویان، نیز در ساختن کاخ‌های مرمرین در بغداد از یکدیگر سبقت گرفتند، تا جایی که بغداد، شهر و کاخ‌ها معروف شد. آشکارترین تغییر در کاخ‌های اوایل دوره عباسی که بین سال‌های ۱۴۳/۷۶۰ م/۲۴۰/۸۶۰ م برپا شده است، در مقایسه با کاخ اموی، افزایش مشخص اندازه‌های آن است. دو دلیل عمده را می‌توان برای این تغییر ۱. سنت محلی ۲. خودکامگی پیشرو است (براند، ۱۳۸۰؛ ۳۹۰).

سنت محلی را می‌توان کاخ‌های عظیمی دانست که در بین النهرین ریشه دوانیده بود و قدرت مطلقه خود کامگی فزاینده خلیفه، اخذ عناصر نمادین سلطنتی شرقی دانست که ساختن کاخ بزرگ را ضرورتی آشکارا تلقی می‌کرد. مؤثرترین شکل ابراز بیان این نظم و تغییر جدید، این شهر به سال ۱۴۵ هجری قمری توسط خلیفه منصور پایه‌گذاری شد و از همان آغاز نیت آن بود که بنیادش بیش از یک پایتخت برای سلسله جدید باشد لذا با تمام نمونه اسلامی قبلی خود متفاوت بود. شهر مدور، چنین معماری به زمان آشوریان می‌رسد نمونه آن شهر هترا پارسی، همدان هخامنشی و دارابگرد، فیروزآباد و بالاخره شیز ساسانی است. برای درک بهتر و صحیح بغداد باید به بازسازی متقاعد کننده هر تسفلد استناد کرد. نکته جالب توجه در این بازسازی این است که کانون اصلی این شهر مدور مسجد نبود، بلکه کاخ بود. تقدم کاخ نسبت به مسجد می‌تواند تفوق دنیوی بر مذهبی را در دستگاه خلافت عباسی اثبات کند. کاخ بغداد به شکل مربع و شامل یک تالار گنبدپوش مرکزی بوده که از آن چهار ایوان در همان جهت محور دروازه‌ها باز می‌شد و هریک از آنها به یک حیاط مربع منتهی می‌شده است (Herzfeld, 1912: 146)

در کاخ بغداد، عناصر معماری ساسانی، نظیر گنبد و ایوان مشاهده می‌شد. موج دیگر معماری کاخ‌های عباسی در سامراء پا گرفت. در این کاخ‌ها قالب نوع اموی کنار گذاشته و خبر از تحولی در کاخ‌های اسلامی می‌دهد. و در آخر این بحث باید بگوییم که معماری کاخ‌های بغداد بسیار متأثر از معماری میان رودان و ایوان ساسانی است. نفوذ ایران در دوران منصور به تدریج در همه جلوه‌های زندگی مسلمانان نمایان شد. (کرسول، ۱۳۹۳؛ ۲۶۴). تراسه اثر این تغییر و تحول بر هنر مسلمانان را چنین شرح داده است:

^۱. فسيفساء، عبارت است از قطعاتی کوچک یا مکعب‌هایی ظریف از شیشه، سنگ و یا صدف که به صورت منظم بر سطحی از گچ نصب می‌شوند و به هنگام نصب، مسطح بودن و نیز قرار گرفتن آنها به صورت افقی رعایت می‌شود.

۱۳۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

«خلافت از عالم هلنی به سرزمینی رفت که سنت‌های باستانی شرق در آن زنده و سرپا بود. در میان رودان عباسی هنری پا می‌گرفت که در همه ابعادش درست در مقابل هند شبه کلاسیکی بود. که هنوز بر کرانه‌های مدیترانه حکم می‌راند (Terrass, 1999 : 54)

معماری (مساجد - کاخ‌ها) فاطمیان در قاهره

مسجد عمرو بن عاص در فسطاط (۶۴۱-۶۴۲م / ۲۱ ق)

مسجد عمرو، نخستین مسجد مصر بود که به دست فرمانده فاتحان مسلمان این سرزمین - عمرو بن عاص - ساخته شد. مورخان عرب قرون میانه این مسجد را تاج الجوامع (تاج مسجد ها) خوانده اند. (دوریس برن - ابوسیف؛ ۱۳۹۱؛ ۶۹).



تصویر ۵-۱ مسجد عمرو، مأخذ: کرسول، ۱۳۹۳

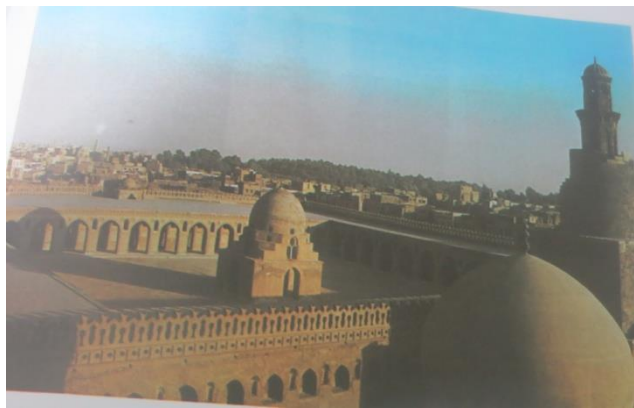
مسجد عمرو که نخستین مسجد مصر اسلامی به شمار می‌آید در سال ۲۱ هجری برای برپایی نماز سپاه مسلمین در پادگان فسطاط، ساخته شد؛ اندازه آن از ساختمان امروزی بسیار کوچک تر بود و بیش از ۳۰*۵۰ ذرع، یعنی حدود ۱۷*۲۹ متر، نبود. در جانب شمال مسجد و به فاصله یک کوچه از آن، خانه عمرو و فرزندانش قرار داشت. طبق گزارش مورخان مسجد اولیه ساده بود و صحن، گچبری نداشت؛ کف آن بدون

سنگفرش، ساختمانش فاقد مناره بود و جهت قبله هم در آن، مثل مسجدهای بعدی، با محرابی گود مشخص نمی‌شد. کرسول بر این باور است که آن را با خشت و تنه نخل ساخته بودند، نظیر مسجد پیامبر ﷺ در مدینه که به خانه آن حضرت متصل بود. (Creswell). گوشه‌دستری به بام مسجد وجود نداشته است. کرسول این الحاق مناره‌ها را ملهم از پیش‌الگوی مسجد جامع اموی دمشق می‌داند (کرسول، همان؛ ۲۹۵).

مسجد ابن طولون (۸۷۶-۸۷۹ م / ۲۶۳-۲۶۶ ق).

ابن طولون از سامرا، پایتخت عباسیان، به عنوان رالی به مصر فرستاده شد و چندی نگذشت که در آنجا تختگاه خود را با نام قطائع بنیان نهاد. این شهر جدید در ناحیه‌ای که امروز به خیابان صلیبه معروف است و در منطقه بین ارگ و زینب قرار داشت. از شهر ابن طولون جز مسجد او و یک آباره اثری باقی نمانده است.

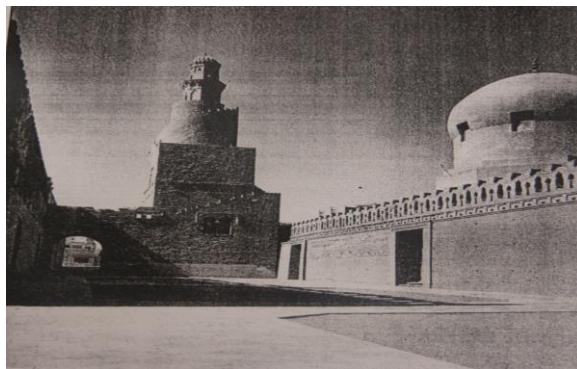
شهر فسطاط و عسکر دیگر برای پادگان‌های بزرگ ابن طولون جا نداشت، و مسجد عمرو نیز برای جمعیت مسلمان این پایتخت رو به رشد بیش از حد کوچک می‌نمود. ابن طولون بر بالای تپه‌ای موسوم به جبل یشکر مسجد بسیار بزرگی ساخت، که قدیمی‌ترین مسجد مصر است و شکل اصلی خود را حفظ کرده است.



تصویر ۵-۲ مسجد ابن طولون، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱

مسجد ابن طولون به دور صحن با چهار رواق طاق بندی شده ساخته شده که بزرگترینشان شبستان سمت قبله است. به جز مناره سنگی بقیه ساختمان آجری است، و به عنوان کاری نو

ظهور طاق‌های آن به جای ستون‌ها، جرزهایی نگه داشته است. این جرزها مستطیل شکل بوده و به چهار ستون توکار بنایی در در گوشه‌ها مزین است که ستون‌هایشان مثل ته ستون‌ها شکل منگوله‌ای دارد و هردو را گچبری و کنده کاری کرده اند. قوس طاقگان رواق‌ها مسجد از نوع تیزه دار است. درباره علت اینکه به جای ستون‌ها از جرزها استفاده شده است او این موضوع موضوع با شیوه این دیار بیگانه است، گفته اند که معمار این بنا فردی مسیحی بوده می‌خواسته از به یغما رفتن ستون‌های کلیسا برای ساخت مسجد جلوگیری می‌کند.



تصویر ۳-۵ مسجد ابن طولون، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱

اما پاسخ صحیح را به آسانی در سامرا می‌توان یافت و آن اینکه در بین النهرین آجر از مصالح طبیعی برای بنایی محسوب می‌شد. تنها غنایعی که در ساخت مسجد ابن طولون به کار رفته است دو جفت ستون مرمری کنار محراب است که شیوه بیزانسی دارد (دوریس برن - ابوسیف؛ همان؛ ۷۸).

مسجد ابن طولون دارای نوزده ورودی در سه طرف است، که هر یک از این درها در قسمت زیاده به در دیگری راه دارد، در سمت قبله نیز سه در اضافه دیده می‌شود. پنجره‌هایی با قوس تیزه دار را در قسمت بالای دیوار مسجد کار گذاشته اند که در کنارشان ستون‌های باریکی به چشم می‌خورد. کرسول تنها چهار پنجره شباک دار گچبری شده را، که نقش هندسی ساده دارد، متعلق به دوره طولونیان می‌داند. بقیه که از لحاظ نقوش هندسی پیچیده است و تنوع بیشتری دارد مربوط به دوره فاطمیان و مملوکان است. (کرسول، همان؛ ۳۰۰-۲۹۹). در مجموع ۱۲۸ پنجره در این مسجد به کار رفته است. مسجد ابن طولون دارای شش محراب است که به دوره‌های مختلفی تعلق دارند. مناره ابن طولون در جانب شمال زیاده، کمی پایین تر از محور

محراب اصلی قرار دارد. این مناره سنگی یا پلکانی بیرونی است. در بین تاریخ نگاران معماری قاهره این مناره به موضوعی مورد اختلاف تبدیل شده است. برخی آن را به سلطان لاجین منسوب و برخی به ابن طولون. منابع موجود هم اطلاعات کاخی در این باره در اختیار نمی‌گذارند تا بتوان تاریخ قطعی آن را تعیین کرد. (دوریس برن - ابوسیف، همان؛ ۸۲).

مساجد دوره فاطمیان

مسجد الازهر (۹۷۰م / ۳۶۰ق)

الازهر نخستین مسجد دوره فاطمی و اولین اثر معماری به شمار می‌رود که فاطمیان آن را بنا نهادند (توفیق احمد عبدالجواد، ۲۰۱۰؛ ۹۲). توفیق احمد معتقد است شناخت طراحی اولیه این معماری در است و علت آن را در این می‌داند که تعداد زیادی از خلفای فاطمی الحاقات بسیاری به این مسجد افزودند و عناصر معماری آن بیش از چند بار تجدید بنا شده است (توفیق، عبدالجواد؛ همان).



تصویر ۴-۵ مسجد الازهر، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱

الازهر صفتی است به معنای «درخشان ترین». خلیفه فاطمی معزالدین الله پس از فتح مصر و ساخت قاهره وظیفه ساخت الازهر را به فرمانده و وزیر خود، جوهر صقلی، سپرد. بنای این مسجد در سال ۹۷۲ م / ۳۶۲ ق به اتمام رسید.

الازهر پس از مساجد، عمرو، عسکر و ابن طولون چهارمین مسجد جامع مصر است. بعد از غلبه عثمانی‌ها و زمانی که مدارس مملوکی رو به افول نهاده بود، الازهر به مرکز علوم اسلامی

مصر و یکی از دانشگاه‌های مهم فقی در جهان اسلام تبدیل شد. در طرح بازسازی شده کرسول، الازهر در اساس تنها دارای سه طاقگان (ردیف طاقی) در پیرامون صحن بوده است؛ امروزه شمار آنها به چهار طاقگان می‌رسد. (reswell, p.p.68). سه گنبد در مسجد به چشم می‌خورد: یکی بالای محراب و دو تای دیگر در گوشه‌های دیوار قبله، اما هیچ یک از آن‌ها باقی نمانده است. مناره اصلی سازه آجری کوچکی بود که بالای مدخل اصلی قرار داشت. از قسمت‌های اصلی مسجد که محفوظ مانده است می‌توان از طاقگان‌ها، بخشی از تزئین گچکاری، از جمله گچکاری نیم گنبد محراب، و تعدادی طارمی پنجره‌ها نام برد. مناره اصلی آن سازه آجری کوچکی بود که بالای مدخل اصلی قرار داشت. (توفیق، احمد عبدالجواد، ۲۰۱۰: ۹۳).

الحاقات دوره فاطمی به الازهر

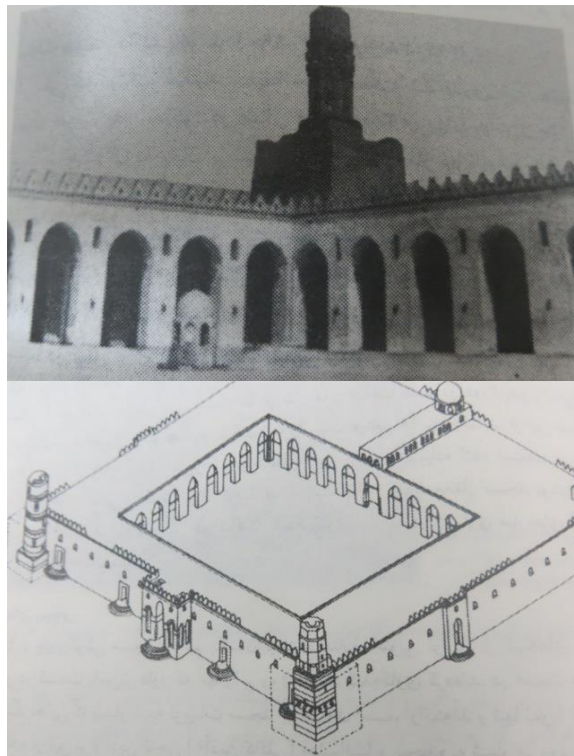
در سال ۱۰۰۹ م ۴۰۰ق خلیفه حاکم به مرمت مسجد پرداخت و در چوبی تازه‌ای به ساختمان آن اهدا کرد. و در سال ۱۱۲۵ م / ۵۱۹ق خلیفه الامر محرابی چوبی به مسجد اهدا کرد که اکنون در موزه اسلامی قاهره نگهداری می‌شود (همان؛ ۹۴).

اما مهم ترین کارهای دوره فاطمی در خلافت حافظ الدین الله (۵۲۴-۵۴۴ق) صورت گرفت که طاقگانی را به دور صحن اضافه کرد و بدین ترتیب این مسجد دارای چهار طاقگان شد، که طاقگان چهارم تنها یک فرش انداز در جانب شمال غربی داشت. خلیفه حافظ گنبدی را هم در جلوی بازوی جانبی اضافه کرد که برای بیننده به سبب وجود پیش طاق از صحن ناپیداست. (دوریس برن - ابوسیف؛ همان، ۹۲).

تزئینات اصلی مسجد مشتمل است بر نیم گنبد محراب، کتبه‌های گچبری شده و اسلیمی‌های دور طاقگان ناگفته نماند که در دوره ایوبیان و مملوکان و همچنین عثمانی‌ها مرمت‌هایی بر روی این مسجد انجام گرفته است. به خصوص مرمت‌های بعد از زلزله سال ۱۳۰۳ م / ۷۰۳ ق. علاوه بر مرمت‌هایی که در ادوار مختلف صورت گرفته در ساختمان‌های مجزای مسجد، ساختمان‌های تازه‌ای نیز پی در پی به الازهر افزوده شده که از جمله می‌توان به سه مدرسه دوره مملوکان اشاره کرد.

مسجد الحاکم بامرالله (الانور ۹۹۰-۱۰۰۳م / ۳۸۰-۳۹۴ق)

نظیر واژه الازهر، این مسجد نیز دارای القبی است موسوم به «الانور» به معنای روشن و ضور شرايطی که در آن، مسجد خلیفه حاکم ساخته شد قدری غیر معمول بود. این عمارت را خلیفه عزیز، پدر حاکم، در سال ۹۹۰ م / ۳۸۰ ق بنیان نهاد و یک سال بعد در حالی که هنوز ساخت آن به پایان نرسیده بود نخستین نماز در آنجا بر پا شد. نکته غیر معمولی در اینجا به چشم نمی‌آید زیرا در هر مسجد جهت گیری به سمت قبله مهم است از این رو به طور کلی اول شبستان و سپس بقیه ساختمان مسجد را می‌سازند. اما تا دوازده سال بعد یعنی سال ۱۰۰۲-۱۰۰۳ م / ۳۹۳-۳۹۴ ق، که بر روی کتبه مناره جنوبی نام حاکم و تاریخ ۳۹۳ ق / ۱۰۰۲ دیده می‌شود، گزارشی از فرمان او مبنی بر تکمیل ساختمان مسجد در دست نیست. در سال ۱۰۱۰ م / ۴۰۱ ق جایگزین‌های مهمی به جای این مناره‌ها نشست، و در سال ۱۰۱۳ م / ۴۰۴ ق اثاث و ملزومات مسجد را بدان افزودند و بار دیگر نماز در آن بر پا شد. (دوریس برن - ابوسیف، همان؛ ۹۸).



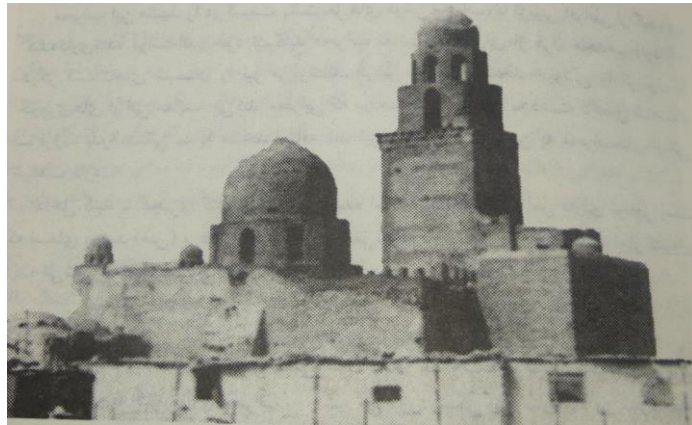
تصویر ۵-۵ مسجد الحاکم، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱.

۱۳۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

مسجد الانور (حاکم) چهار گوش غیر منتظمی است باد چهار طاقگان محاط کننده صحن و معماری اش ترکیبی از ویژگی‌های هر دو مسجد ابن طولون و الازهر را با خود دارد. این مسجد همچون مسجد ابن طولون، طاق‌های تیزه داری دارد که جرزهای آجری چهار گوش آن‌ها را نگه داشته است، اما ردیف طاقگان بلندتر و خود مسجد کوچک تر از مسجد ابن طولون است و مانند الازهر دارای بازوی جناحی عمود بر شبستان، و سه گنبد بر دیوار قبله است. (همان) ویژگی‌های تازه این مسجد نسبت به آن دو مسجد (الازهر و ابن طولون) وجود دو مناره بیرون زده در گوشه‌های نمای مسجد، و مدخل آن است. نمای لکی مسجد الانوار ملهم از مسجد مهدیه تونس، پایتخت فاطمیان در شمال افریقا، است. (توفیق احمد عبدالجواد؛ همان؛ ۹۶-۹۵)

مسجد جیوشی (۱۰۸۵ م / ۴۷۸ ق)

بر فراز کوه مُقَطَّم و شرف به گورستان، خود شهر و اطرافش، مسجد کوچکی قرار دارد که به تاسی از نام پشتیبان مالی آن به مسجد جیوشی معروف است. امیرالجیوش فرمانده سپاهیان برالجمالی وزیر ارمنی خلیفه فاطمی، مستضر (۱۰۳۶-۱۰۹۴ / ۴۲۸-۴۷۸)، بود. مسجد جیوشی کتیبه ساختی در بالای ورودی اش دارد که از آن به عنوان مشهد (زیارتگاه) نام می‌برد. اما اینکه به یاد بود چه کسی ساخته شده است را نه می‌توان از کتیبه‌های «مشهد» دریافت و نه از مطالبی که مورخان برای ما به دست می‌دهند.



تصویر ۵-۶ مسجد جیوشی، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱

فرید الشافعی مشهد جیوشی را برج دیدبانی‌ای می‌داند که بعد از تغییر به مسجد تبدیل شده

است (شافعی؛ ۱۹۷۰، ۱۵۰). گرابار آن را یاد بودی برای فائق آمدن بدرالجمالی بر شورش‌ها و آشفتگی‌هایی می‌داند که مدت‌ها بلای جان حکومت فاطمی شده بود. (Crabar, Oleg, 1966. Pp27).

این بنا کامل‌ترین معماری که از دوره فاطمیان باقی مانده است شاید به این دلیل که وقف شخصیت مهم دینی نشده است و به همین سبب، مرکزی عباری به حساب نمی‌آمد تا آن را در معرض مرمت‌ها و زینت‌آرایی‌های پیرامون درآورد. در دوره عثمانی، درویشان از مسجد جیوشی به عنوان خانقاه استفاده می‌کردند.

وصف کلی بنا

ساختمان کوچک مسجد پیرامون یک صحن شکل گرفته است و ورود به آن از در ساده بدون در گاهی در پایین مناره که بر محور شبستان است، صورت می‌گیرد. در پهلوهای جانبی و دوطرف مناره، اتاق‌هایی دیده می‌شود. نمای صحن مشتمل است بر قوس جناغی بزرگی که دو جفت ستون آن را نگه می‌دارد و در قوس کوچک‌تر هم در کنار آن دیده می‌شود؛ اینها ترکیبی سه‌بخش به نمای ساختمان داده است که در معماری فاطمی مکرر دیده می‌شود. (دوریس برن - ابوسیف، همان؛ ۱۰۴). شبستان مسقف به طاق‌های متقاطع است، به جز دهانه بالای محراب که بر فرازش گنبدی نشسته سکنج‌های ساده به چشم می‌خورد. کرسول گنبد خانه کوچک شمال شرقی شبستان را از افزوده‌های بعدی می‌داند، (Creswell, 1965, pp237). اما تحقیقات فرید شافعی نشان می‌دهد که این قسمت بخشی از ساختمان اصلی بوده است. (شافعی؛ ۱۹۷۰، ۱۶۶).

محراب این مشهد را در قسمت پشت بغل‌های قوس محراب، با تزئینی از گچبری کنده کاری شده آراسته‌اند. داخل گنبد با گچبری کنده کاری تزئین شده است و در قسمت رأس دارای ترنجی است که اسمای محمد ﷺ و علی ﷺ بر آن دیده می‌شود؛ در قسمت مربع گنبد هم نوار کتیبه‌ای دیده می‌شود که آیات قرآنی بر آن نقش بسته است.

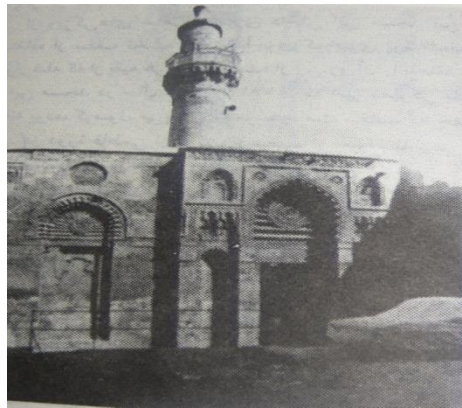
مسجد الأقرم

در دل شهر فاطمی، در شمال منطقه‌ای که روزگاری قصر بزرگ فاطمیان قرار داشت، مسجد کوچکی موسوم به الأقرم قد برافراشته است. این مسجد نیز، نام سازنده بنا، را به خود نگرفته و

۱۳۸ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

عنوانی بر آن نهاده اند که به «معنای روشن شده به نور ماه» است. این مسجد را مأمون بطائحی وزیر خلیفه الأمر ساخت. (توفیق، احمد عبدالجواد، همان؛ ۹۷).



تصویر ۵-۷ مسجد الاقمر، مأخذ: دوریس برن، ۱۳۹۱

نمای مسجد

به دلیل تزئینات پیچیده‌ای که این مسجد دارد به عنوان زیباترین مسجد فاطمیان به شمار می‌آید. این مسجد به دلایل مختلف در معماری قاهره اهمیت فراوان دارد یکی از این دلایل تزئین بسیار نمای آن است. که تزئین آن الهام بخش بناهای بعدی در دوره‌های بعد مصدر بوده است. دلیل دیگر در نقشه معماری آن می‌دانند. نمای مسجد هم راستای خیابان است اما داخل آن درست رو به قبله دارد. تعادل در منظر مسجد را دیوار نمای آن به وجود آورده اند که یک سر آن ضخیم تر از سر دیگر است؛ در این قسمت ضخیم تر اتاق هایی را تعبیه کرده اند. چنین روشی بعدها در معماری مذهبی شهرها موسوم شد و البته نشان از اهمیت زیادی که معماران برای اجتناب از از بر هم زدن مسیر بندی خیابان، با آرایش نمای اریب وار مسجد، قائل برده اند؛ (دوریس برن - ابوسیف، همان؛ ۱۱۴).

مسجد الاقمر نمای آجر با روکشی سنگی و طرح تزئیناتی بسیار پیچیده‌ای دارد. نمای آن مزین به طاق نمایی بزرگ با قوس جناغی و خیاره هایی منشعب از یک ترنج مرکزی، که به پرتوهای آفتاب در حال طلوع یا نقش صدف می‌ماند. (توفیق احمد عبدالجواد؛ همان؛ ۹۷). طبق تصویر، در هر دو طرف طاقنمای اصلی، طاقنماهای کوچک تری قرار گرفته است.

محققان معماری مسجد الاقمر (معنای نمادین والایی در تشیع می‌دانند و دلیل آن هم تزئینات این مسجد می‌دانند که در نمای آن نام محمد ﷺ و علی ﷺ نوشته شده و لوزی‌های کنده کاری شده که با نقش مایه گل و گلدان همراه است. کارولین ویلیافر دو شاخه گلف داخل گلدان مذکور را نماد امامان حسن و حسین علیهما السلام - می‌دانند.) (wiliams, carolin, 1983; pp37).

داخل مسجد

در داخل مسجد چیز زیادی از شکل اولیه باقی نمانده است شبستان با چهار طاق. شبستان کوچک مسجد با یک طاقگان سه تایی مقابل نمای صحن قرار دارد؛ سه طاقگان دیگر هر کدام فقط یک فرش انداز دارد.

از ویژگی خاص معماری داخل این مسجد این است که فاصله بین دو ستون را به جای استفاده از سقف تخت، با گنبد آجری کم‌خیزی پوشانده اند. از آنجا که این مسجد در سال ۱۳۷۹م / ۷۸۱ق امیر مملوکی به مرمت آن پرداخت، ویرانه بوده، کرسول می‌پندارد، هموبه مرمت سقف، که چه بسا در ابتدا تخت بوده پرداخته باشد (Creswell, 1932-40pp.241).

مسجد صالح طلائع وزیر (۱۱۶۰م/۵۵۵ق)

مسجد صالح طلائع وزیر مانند مسجد الاقمر به دست وزیری ساخته شد و همانند آن بر مزار ردیفی از مغازه‌ها ساخته شده است. این مسجد چند ویژگی جالب توجه دارد. این مسجد نظیر الازهر، در ابتدا فقط با سه طاقگان در پیرامون صحن ساخته شد؛ و به جای طاقگان چهارم در شمال غربی، طاقگاری در خارج داشت که بخشی از نمای آن را تشکیل می‌دهد؛ این ویژگی در بین مساجد قاهره منحصر به فرد است. (حسن عبدالوهاب؛ ۱۹۴۶: ۲۳)

اساس طراحی بناهای مذهبی در عصر فاطمیان در قاهره

در عصر فاطمی دو شیوه بارز در معماری مساجد به کار می‌رفت. شیوه اول مختص مساجد بزرگ بود و شیوه دوم مختص مساجد کوچک‌تر.

طراحی روش اول در (مساجد بزرگ) عبارت بود از صحن بزرگ و روباز که گرداگرد آن رواق‌های به ستون‌هایی برافراشته شده‌اند رواق رو به قبله بسیار وسیع است و محراب و منبر مسجد در آن قرار گرفته است. بالای فضای مقابل رواق مجاور دیوار قبله سه گنبد وجود دارد. در

طراحی این نوع مساجد ایجاد رواق عمودی که وسط رواق قبله قرار می‌گیرد به چشم می‌خورد که شیوه‌ای برگرفته از شمال آفریقا (مغرب اسلامی) است. شیوه استفاده از سه گنبد در شبستان در معماری شمال آفریقا دیده می‌شود (دوریس برن - ابوسیف، ۱۳۹۱: ۹۱) احتمال دارد به وسیله صنعتگران فاطمی به مصر وارد شده باشد. همچنین در طراحی این شیوه مساجد بزرگ می‌توان به ورودی‌های آن اشاره کرد. برای این نوع مساجد سه ورودی به کار رفته است ورودی اصلی بر محور محراب و دو ورودی جانبی بر محور صحن، الازهر نمونه بارزی از این نوع مساجد است. روش دوم (مساجد کوچک‌تر): عبارت است از صحن متوسط که گرداگرد آن چهار رواق برافراشته شده است. رواق رو به قبله بزرگ‌تر و نمایی مسجد هم‌راستای خیابان است اما داخل آن درست رو به قبله دارد و از ترتیب قاعده‌مند پیروی می‌کنند (reswell, K.A.C, 1932- 241: 40) تزئین منوط نمای خارجی مساجد در این شیوه که برای اولین بار در عصر فاطمی بود، به کار گرفته شد. استفاده از مقرنصات و نمای آجری با روکش سنگی. به کارگیری مناره‌ها، به عنوان عنصر اساسی در معماری مساجد از دیگر شیوه‌های بارز این نوع سبک و سیاق مساجد در دوره فاطمیان بود. مناره‌ها ابتدا در گوشه‌های مسجد قرار می‌گرفت (جامع الاحکام) بعدها بالای ورودی‌ها به کار می‌رفت نظیر آنچه در مسجد جیوشی و الاقمر به کار رفته است.

همچنین به شیوه دیگری از معماری مساجد در این دوره می‌توان اشاره کرد و آن مساجد معلق است که بالای مغازها قرار می‌گرفت نظیر مسجد (صالح طلائع) و در آنها مجاور محراب روزنه‌ای مستطیل شکل به کار می‌رفت. این روزنه به یک پنجره بلکه ملقف یا یادگیری است که به میله ستونی در دیوار قبله که تا با بام بالا رفته، متصل است. روزگاری بالای آن محفظه‌ای با سرپوش مایل قرار داشت که به طرف شمال باز می‌شد و نسیم ملایمی را به داخل هدایت می‌کرد. (مقریزی، جلد دوم؛ ۲۹۳)

مساجد دوره فاطمی به سادگی در به‌کارگیری مصالح و مواد بنایی و سادگی نمای داخلی و خارجی متمایز است. گنبدسازی بالای مقابر نیز از مشخصات بارز معماری مذهبی در دوره فاطمیان است (دوریس - بون، همان، ۱۲۰-۱۱۹)

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان مهم‌ترین عناصر طراحی در بناهای مذهبی دوره فاطمی را از چند جهت بررسی کرد.

۱. از لحاظ کاربردی: استمرار شکل مستطیلی اولیه مسجد صرف نظر از در نظر گرفتن شکل عمومی قطعه زمینی که به ساخت مسجد اختصاص داشت.

۲. از لحاظ ساختاری: در این دوره به نمای خارجی مسجد اهمیت بسیاری داده می‌شد. به گونه‌ای که به کارگیری منارها و تزئینات در ساختار داخلی و خارجی مساجد از عناصر اساسی معماری مذهبی در دوره فاطمی به شمار می‌رفت.
۳. از لحاظ طراحی: پوشش قبور با گنبدها و استفاده از رواق عمودی در مساجد.
۴. از لحاظ محیطی: می‌توان به صحن روباز در مسجد و به کارگیری ملقف (بادگیر) در تملیف هوای مساجد اشاره کرد.
۵. از لحاظ اجتماعی: هدف اساسی از ساخت مساجد در این دوره (جامع الازهر) این بود مکانی برای دعوت مذهب شیعه در مصر باشد.

معماری کاخ‌ها در دوره فاطمیان

از کاخ‌های دوره فاطمیان یا قبل از آن اثری بر جای نمانده، و از دوره مملوکان هم کاخ‌های اندکی باقی مانده است که البته هیچ‌یک کامل نیست. با این همه، انبوه اسناد و موقوفات دوره مملوکان، گنجینه‌ای از اطلاعات مکتوب درباره طرح کاخ‌ها و خانه‌های این دوره به دست می‌دهد. کاخ‌های دوره فاطمی با ستون‌هایی ساخته شده است که گنبدها را نگه می‌دارد. برخی دیگر را مطابق عمارت‌های دارای نقشه قاعه^۱ ساخته‌اند: دو ایوان مقابل یکدیگر که فضای بین آنها با گنبد یا گلدسته‌ای پوشانده شده است. (دوریس بدن - همان: ۵۳) در حقیقت ساختمان اصلی یک سکونتگاه فاطمی را قاعه تشکیل می‌داد. در معنای سرسرای طبقه همکف از سنگ و طبقه بالای آن از آجر استفاده می‌شد. دیوارها نیز با آجر و گچ سفید اندود می‌شود.

بررسی معماری «مساجد و کاخ‌های» اندلس - مغرب

فتوحات مسلمانان در اندلس تغییر اساسی در معماری و دیگر صنایع این منطقه به جا گذاشت. دلیل این امر را می‌توان به کارگیری اهل حرف و صنعت اندلس توسط فاتحان مسلمان دانست. مسلمانان فاتح در هنگام ورود به اندلس اهل حرف و صنعت را برای پیگیری تولیدات فنی و صنعتی خود در سایه‌ای از مودت و تساهل و تسامح تشویق کردند این گونه بود که معماران و صنعتگران اندلسی فرهنگ جدید اسلامی را پذیرفتند و سهم فراوانی در نقل و انتقالات

^۱. این واژه، در اصل به معنای صحن است؛ اما عملاً سرسرای بود در طبقه همکف یا طبقه‌های بالای آن.

معماری و صنعتی بر عهده داشتند. این تأثیرات در زمینه معماری در دوره خلافت امویان در اندلس تحقق یافت. معماری اندلسی اسلامی، با تکیه بر اصول معماری اسلامی و آنچه از عناصر معماری مغرب اسلامی (در سایه عصر مرابطون و موحدون) به کار برد به پیشرفت خود در دوره‌های بعدی ادامه داد تا آن که در دوره بنی نصر به اوج پیشرفت خود رسید (عبدالعزیز سالم، ۱۹۷۷: ۹۰-۸۹).

در حقیقت می‌توان گفت که فتوحات مسلمانان در اندلس رکود فن و معماری یا به عبارتی جمود صنعتی به همراه نداشت و اوضاع اقتصادی و صنعتی با رسوخ فرهنگ اسلامی - اسپانیایی به حیات خود ادامه داد. امری که ابن خلدون در مقدمه کتاب خود به آن اشاره دارد «... بأن العوائد انما ترسخ بكثره وطول الامد فتستحکم صبغۀ ذلک و ترسخ فی الاجيال، واذا استحکمت الصبغۀ عسر تزعمها... (آداب و رسوم یک ملت زمانی که در گذر زمان پرننگ می‌شوند و در نسل‌ها رسوخ کنند، از بین بردن آنها بسی دشوار است) وی در ادامه به عنوان مصداق ادعای خود به اندلس اشاره می‌کند که بعد از فتح توسط مسلمانان در آن زمان مردم آن دیار به بسیاری از تقالید و عقاید خود پایبند بودند (ابن خلدون، ۱۹۶۰، ۹۲۷-۹۲۶).

مسجد قرطبه، الگویی برای مساجد جامع اندلس - مغرب

مورخان، مهندسان و همه کسانی که بر فن معماری واقف هستند، بر اینکه مسجد جامع قرطبه، الگویی برای مساجد جامع اندلس و مغرب اسلامی است، اتفاق نظر دارند. در حقیقت، ساخت شکوهمندترین نشانه‌های بر جای مانده از معماری دوره خلافت را باید در مسجد جامع قرطبه یافت. این مسجد را عبدالرحمان در سال ۱۶۹ هـ - قمری آغاز کرد و به نوشته مقری، شبستان این مسجد یازده دهانه داشته است. (مقدی، بی‌تا: ۳۷۹) عبدالرحمان دوم (۱۷۶-۲۳۸ ق) مسجد را با افزودن ستون‌هایی در سوی قبله گسترده‌تر کرد. (ابن عذاری، ۱۹۵۰، ۲۴۵). فرزند عبدالرحمان دوم، محمد کار افزودن ستون‌ها را تمام کرد. عبدالله بن محمد، میان دری در غرب مسجد و کاخ خود گذرگاه سرپوشیده‌ای ساخت (ابن حیان، ۱۹۵۴، ۲۸-۲۷). افزوده چشم‌گیر دیگر مناره عبدالرحمان سوم بود. به گزارش مقری این مناره از سنگ بود و دو دستگاه پله جدا از هم در شرق و غرب داشت وی در وصف این مناره می‌نویسد:

بلندی مناره، در نوک گنبد روی آن، به ۷۳ ذرع می‌رسد... بر نوک این گنبد گلوله‌هایی است هم چون سیب از نیم وزر. دور هر کدام سه وجب و نیم، دو تا همه از زراست و یکی از سیم، زیر و

بالای نقش گل‌های زیباییست. بر سر تیرها انار زری کوچکی است. (مقری، بی تا: ۱۵۶)

اکنون بر سر گسترش دیگر مسجد می‌رویم که ابن عذارى شرح مفصلی از آن آورده است. این مرحله از کار را حکم، آن‌گاه که بر تخت نشست (۳۵۰ ق/ ۹۶۱ م) آغاز کرد. او یازده دهانه به جنوب (جانب قله مسجد) افزود (ابن عذارى، ۱۹۵۰: ۲۱۹). به گفته مقری بیشترین گسترش مسجد در زمان هشام دوم بود به سرپرستی وزیر پرآوازه‌اش منصور (متوفی ۳۹۲ ق). مقری گفته است منصور هشت دهانه به مسجد افزود (مقری؛ همان، ۲۴۰). اکنون مسجد جامع قرطبه چهارگوش گسترده‌ای است که سومین مسجد بزرگ جهان، پس از مسجد جامع سامرا و مسجد بودلف به شمار می‌رود. صحن مسجد شش در دارد دو در اصلی کنار مناره است. بر سه جانب صحن رواقی است و بر جانب جنوبی هفده دهانه قوس که نمای شبستان است. (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۸۶)

ریشه‌های معماری در مسجد قرطبه را باید در مسجد جامع دمشق جستجو کرد و آن را تقلیدی از مسجد جامع ولید بن عبدالملک (۸۷/ ۷۰۹ م) دانست. (احمد فکری، ۱۹۶۱: ۲۱۳).

این شباهت به عبدالرحمن بن معاویه بن هشام بن عبدالملک یکی از نوادگان اموی که مؤسس حکومت امویان در اندلس است، برمی‌گردد. در حقیقت کار عبدالرحمن کار قهرمانی که دولت اموی را در اندلس تأسیس کرد نیست. او مهم‌ترین و آخرین مرحله انتقال دولت اموی از مشرق به غرب را به اجرا درآورد و چنان که مقدی می‌نویسد: کان نیتة یجدد دولة بن مروان بالمشرق). نیت او تجدید دولت آل مروان بود (مقری، ج ۱: ۳۳۳). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم مسجد قرطبه الگوی دیگر برای مساجد ساخته شده در اندلس و مغرب گردید. مرابطون تقلید دقیقی از طراحی آن را در مسجد خود در تلمسال پیدا کردند (عبدالعزیز سالم، ۱۹۶۰: ۷۵۱) موحدون نیز در ساخت مساجد جامع قرطبه را الگوی خود قرار دادند (عبدالعزیز سالم، ۱۹۵۸: ۶۳). همچنین طراحی نمازخانه مسجد جامع قرطبه تأثیر مستقیمی بر همه مسجدهای جامع اندلس نهاده است. در نمازخانه مسجد جامع قرطبه جهت رواق عمود بر دیوار قبله است و از لحاظ وسعت و ارتفاع رواق وسط از دیگر رواق‌ها وسیع‌تر و مرتفع‌تر است. این نوع طراحی در مسجد جامع ابن عدبس در اشبیله به کار رفته است که تأثیر مستقیمی از مسجد جامع قرطبه است (سالم، ۱۹۵۸: ۵۶).

همچنین در مسجد جامع مدینه الزهرا (مقری، بی تا: ۱۰۲-۱۰۰) و مسجد جامع در مویه (سالم عبدالعزیز، همان)؛ اما از دیگر سبک‌هایی که برگرفته از مسجد جامع قرطبه در دیگر مساجد اندلس - غرب مشاهده می‌شود، کاشتن درخت‌های پرتقال و نارج در صحن مسجد است. این

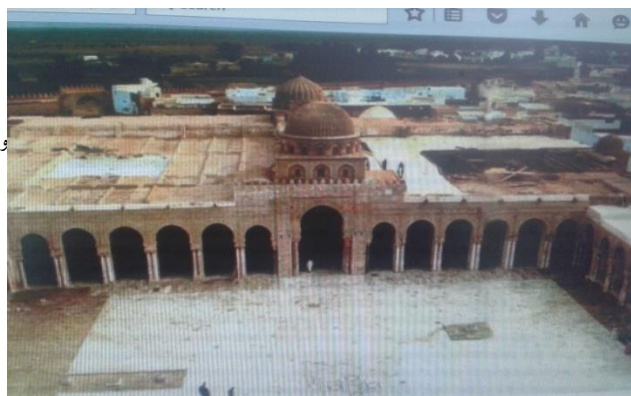
شیوه نخستین بار به فرمان عبدالرحمان بن معاویه صحن مسجد جامع قرطبه به کار گرفته شد. عبدالرحمن بن معاویه به عبدالله بن صعصعه بن سلام، صاحب نماز در مسجد جامع دستور این کار را داد. پیرو مذهب امام اللوزاعی^۱ که اجازه کاشت درخت را در مسجد داده بود (سالم عبدالعزیز، ۱۹۷۷: ۹۳) سیاحان و جغرافی‌دانان عرب نیز به این موضوع در منابع خود تصریح کرده‌اند. چنان که ابن بطوطه به وجود درخت‌ها که نارنج در مسجد جامع مالقه اشاره کرده است (ابن بطوطه، ۱۹۶۰، ۶۷۰) منتزیر سیاح آلمانی که از اندلس را در سال ۱۴۸۴ دیدن کرده است در توصیف خود از مسجد مریه (Munzer (J), 1951: 30) عمر بن عدبس، مسجد جامع به پوشیده بودن این مسجد از درخت لیمو و نارنج اشاره می‌کند.

قصبه در اشبیلیه و مسجد جامع البیازین در غرناطه، نیز به همین منوال بوده است (عبدالعزیز سالم، ۱۹۵۸: ۲۰) همچنین طراحی صحن بزرگ مسجد جامع قرطبه با هفت طاقگان آن در رواق‌های کنار هم که وسیع بودن آن را نشان می‌هد - مورد اقتباس مسجد الکتیبیه در مراکش و جامع تینمال قرار گرفته است (همان، ۶۳)

مسجد جامع قیروان

این مسجد را که جامع سیدی عقبه نیز خوانده می‌شود، عقبه بن نافع در سال ۵۰ ق/ ۶۷۰ م، به هنگام بنای شهید قیروان ساخت. در سال ۷۶ ق/ ۶۹۵ م، ساختمان آن ویران و دوباره ساخته شد. در سال ۱۰۵ ق/ ۷۲۳ م، به دستور هشام بن عبدالملک به وسعت آن افزودند و بخش بزرگی از بنای فعلی مسجد مربوط به دوره هشام است. مشخصه جامع قیروان ستون‌ها و سرستون‌هایی است که اعراب آنها را از بناهای ویران قدیمی به قیروان منتقل و در بر افراشتن سقف مسجد از آنها استفاده کردند. در شبستان جامع قیروان هفده تالار وجود دارد که به موازات محور اصلی مسجد قرار گرفته‌اند. در دو طرف تالار میانی، دو گنبد قرار گرفته‌اند. مناره مسجد نیز از سه برج چهارگوش که بر روی هم قرار دارند، تشکیل شده است (انور الرفاعی، ۱۳۷۷: ۵۶)

وی شخصیتی بود که



^۱. اندلس در در بیروت

مسجد جامع قیروان: ماخذ انور رفاعی (۱۳۸۰)

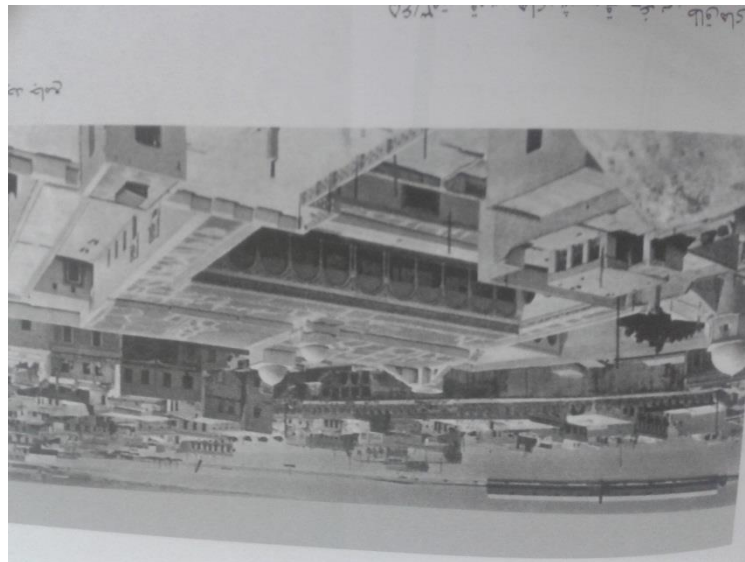
این مناره که گنبد کوچکی نیز بر بالای آن قرار دارد، از کهن‌ترین و زیباترین مناره در جهان اسلام است.

در خصوص ریشه‌های معماری مناره قیروان، باید بگوییم که مناره جامع قیروان، بیش از آنکه به کلیساهای شام مربوط باشد، در افریقایه دارد. بندر کوچک سلقطه در تونس فانوس دریایی داشته که تا قرن پنجم/یازدهم برجا بوده است. طرح این مناره را می‌توان در نقشی موزاییکی در اُستیا دید. در واقع آنچه در این نقش آمده درست همانند مناره قیروان است؛ بنایی سه طبقه که هر طبقه بالایی آن کوچک‌تر از طبقه پایینی است و بر بالاترین طبقه‌اش گنبدی است. لَبْدَةُ الْكِبْرَا [در لیبی] هم دو برج این چینی داشته است (کرسول، ۱۳۹۱: ۳۱۱).

جامع زیتونیه

این مسجد به لحاظ قدمت چهارمین مسجد آفریقا است. جامع زیتونیه در اصل رباطی^۱ است که جامعی در آن قرار گرفته است. علاوه بر این جامع زیتونیه یک دانشگاه اسلامی نیز است که در آن علوم مختلف تدریس می‌شود. اکنون جامع زیتونیه مرکب است از شبستان، سحن، مناره، وضوخانه‌ای (انور الرفاعی، همان، ۵۸۰).

^۱. رباط، حصار بود که داوطلبان حراست از مرزها در آن مستقر می‌شدند. مغرب، منطقه جنگی بود و به همین جهت، مغربیان برای دفاع از متصرفات اسلامی در برابر دشمن، از سنجه تا اسکندریه هزار رباط بنا کردند.



مسجد جامع زیتونیه: ماخذ کرسول: (۱۳۹۳)

بنای اولیه مسجد نمایانگر گرد آمدن هنرهای بیزانسی، ایرانی و عربی است که هنر آفریقایی خالص از آنها سرچشمه گرفته است. سبک معماری قلعه بیزانسی است، اسلوب مناره مدور آن ایرانی و ترکیب عمومی بنا عربی و مشابه مسجد کوفه است. هنر فاطمی را می‌توان در قسمت جلوی بنا و گنبد آن که تشبیه ورودی جامع عبید الله المهدی در شهر مهدیه است و نیز در سرستون‌های چهار پهلو که در هر طرف مزین به تصاویری هستند، مشاهده کرد. (انور الرفاعی، همان). خلاصه کلام آنکه جامع زیتونیه را می‌توان مجموعه کاملی از هنر اسلامی نامید.

مسجد جامع سوسه

مسجد جامع سوسه، کتیبه کوفی‌ای که بر سه جانب صحن و دیوار، پس رواق جنوبی می‌گردد. بانی مسجد را الامیر أبو العباس محمد بن الأغلب در سنه ۲۳۶هـ/ ۸۵۰ م نشان می‌دهد (صلاح عاشور، ۱۳۸۰ ق: ۶۱) یکی از ویژگی‌های بارز این مسجد ندانستن مناره است. در گوشه شمال شرقی مسجد، برج گردی است که از نمای شمالی و شرقی مسجد بیرون زده است بر این برج کلاه فرنگی هشت ضلعی گنبدداری است که در زیر آن اتاقکی است که به اعتقاد کرسول جایگاه مؤذن بوده است (کرسول؛ همان: ۳۳۵). البته چنین برجی در گوشه جنوب شرقی شبستان نیز هست.



مسجد جامع سوسه: ماخذ صلاح عاشور (۱۳۸۰ هجری)

بررسی معماری کاخ‌های اندلس - مغرب

- کاخ‌های امویان:

منابع تاریخی معلومات کافی در خصوص معماری کاخ‌های خلافت امویان در قرطبه به دست نمی‌دهند. گفته شده، کاخ قرطبه بنایی متعلق به روم بوده که در زمان فتح مسلمانان توسط آنان به کار گرفته شده است. در زمان حکومت والیان در اندلس ایوب بن حبیب اللحمی آن را مقرر خود ساخت، تا اینکه خلفای اموی در اندلس حکومت را در دست گرفتند و آن را توسعه دادند در آن تالارها و مجالس و کاخ‌های متعدد تأسیس نمودند و تزئینات به کار بردند تا جایی که به نهایت ضخامت و عظمت رسید. جمالی نظیر الکمال، الزهراء، کاخ‌های المجدد، الحائر، المعشوق، المبارک، التاج، البدیع، البستان^۱ (سالم عبدالعزیز، ۱۹۷۷: ۹۵). از کوه‌های قرطبه آب را به کاخ روانه کردند و در حوض‌هایی از مرمر جاری و از مجسمه‌های سنگی فوران می‌شد (مقری، بی‌تا، ج ۲: ۱۲) متأسفانه امروزه از کاخ خلافت به جز دیوار مقابل مسجد و قسمتی از دیوار شمالی چیزی باقی نمانده است (R.Castejon, 1990: 79). از کاخ رصافه نیز که در ۵ کیلومتری

^۱. نام برخی از کاخ‌ها، یادآور کاخ‌های اموی و عباسی در مشرق است.

شمال غربی قرطبه است چیزی باقی نمانده است. کاخ رصافه را عبدالرحمن بن معاویه در اولین سال امارت خود یا در سال ۱۳۸ هـ بنا کرده است. (ابن الابار، ۱۹۶۳: ۳۸). خوشبختانه از کاخ‌هایی که توسط عبدالرحمن الناصر ۳۲۵/۹۳۷ م. و خلیفه حکم المستنصر ۳۵۰/۹۶۱ م بنا شد، مثل کاخ الخلافه و الزهراء و مؤنس، اطلاعاتی از مورخان هرچند شبه اساطیر و با اغراق بسیار به دست می‌آید (ابن خلکان، بی تا، ج ۲: ۲۹؛ مقرئ، ج ۲: ۶۵، ۶۸: ۱۰۳: ۱۰۵) همین اطلاعات اندک کافی است که بتوان از آن ساختار طراحی کاخ‌ها را در دوره امویان بررسی کرد. البته عملیات حفاری توسط افرادی چون پیدرو مادرانو، کاستیجان، فلیکس کمک بسیاری در این امر نموده است.

کاخ‌های الزهراء دو نوع ساختار دارد:

اول: کاخ‌هایی که متشکل از فضای مرکزی یا همان صحن است و همه اتاق‌ها دور تا دور آن ساخته می‌شد.

دوم: کاخ‌هایی که متشکل از ایوان‌های متوازی که بین آنها را ستون‌هایی که طاقچگان بر آنها بنا شده، جدا می‌کرد نظیر آنچه که در نمازخانه‌های مساجد اندلس دیده می‌شود (Lambert, 1949: 37). گفته شده این طراحی کاخ‌ها برگرفته شده از ساختار طراحی حیری در بناهایی چون قصر خورنق و السدیر از کاخ‌های حیره در دور آل منذر بوده است. ناگفته نماند که خود کاخ‌های حیره تقلیدی آشکار از معماری ساسانی است. برخی کاخ‌های ساسانیان در بادیه اردن نظیر کاخ المشتی خود مصدر الهام برای بنای کاخ‌های امویان در بادیه چون کاخ هشام معرف به خربة المفجر کاخ عمده که طراحی و معماری و تزئینی کاخ‌های غسانیان بسیار شبیه به کاخ‌های امویان است به طوری که کار را برای تشخیص کارشناسان دشوار کرده است و گاهی کاخ‌های غسانیان را به امویان منصوب می‌کردند (Creswell, 1938: 300). ظاهراً این شیوه معماری ساسانی - حیری (عراقی) به اندلس منتقل گردیده است. یکی از تالارهای استقبال در کاخ خلافت مدینه الزهراء در سال ۱۹۴۴ کشف گردید. در طراحی این تالار سه رواق عمودی بر دیوار شمالی کاخ به کار رفته است که رواق وسط متشکل از ردیفی از طاقگان، که هر ردیف متشکل از ۶ طاق، استوار بر ۷ ستون است. (Castejon, 1943: 147-154). در حفاریات سال ۱۹۱۹ که توسط دانشمند ویلاسکوئیز انجام گرفت منجر به کشف کاخی از کاخ‌های حکم المستنصر گردید، در یکی از کاخ‌ها از سقیفه‌ای نام می‌برد که بر محوطه‌ای مربع شکل که دارای

پنج طاقگان بود، اشراف داشت. این سقیفه به مجلسی به طول ۳۸ متر و عرض ۲۰ متر راه داشت. مجلس به پنج رواق تقسیم می‌شد که وسعت رواق وسط به ۷/۴۶ متر می‌رسید. وسعت چهار رواق دیگر ۶/۸۲ متر بوده است (Torres Balbas, 1952: 196)

مدینه الزهراء، نزدیک‌ترین شباهت را در غرب اسلامی به کاخ سامراء عرضه می‌داشت (براند، ۱۳۸۰: ۲۴۴). کاخ‌های مدینه الزهراء به گزارش ابن عذاری در مجموع ۴۳۱۳ ستون مرمرین داشتند (ابن غداری، ۱۹۵۰، ج ۲: ۳۴۵). منابع از دو تالار اصلی کاخ سخن به میان آوردند. اولی را تالار مشرقی که با نام تالار مونس، مشهور بود و وسط آن حوضی سرسبز که بر آن تصاویری از تمثال انسان‌ها حک گردیده و دور تا دور آن، ۱۲ مجسمه از جنس مس، مرصع به در گرانپها (ابن غداری، همان). تالار دوم، تالار عربی که به نام «تالار بدیع» یا «مجلس الذهب» خوانده می‌شد (ابن حیان، ۱۹۵۴: ۱۳۷، ۸۴). در حقیقت این تالار شگفتی عمده مدینه الزهراء بود. قسمتی از سقف و دیوارهای این بنا مطلقاً و بخشی از آن نیم شفاف یا قطعات مرمرین الوان بود. از سقف گنبد مرکزی آن مروریدی باشکوه، به اندازه تخم کیوتر - هدیه لئو امپراتور بیزانس - آویزان شده بود. این گنبد مزین به موزاییک کاری‌های طلائی و نقره‌ای بود. گنبد بر فراز حوض مرمرین سبزی بود هشت در طلائی در جزهای بلوری، از صد سو به تالار راه می‌دادند. در برابر این سرسرا و کمی پایین‌تر از آن، کوشک گنبد پوشی با حوضی از جیوه قرار داشت. این بنا در برابر بازی نور حساسیت خیره‌کننده‌ای داشت تا حدی که وقتی اشعه خورشید وارد سرسرا می‌شد، اثری کورکننده داشت. به همین نحو، زمانی که حوض جیوه به دستور خلیفه تکان داده می‌شد، برق نور چنان حالتی را به وجود می‌آورد که گویی اتاق حول محوری مرکزی که در اطاعت از راه خورشید است به گردش درمی‌آمد. (مقری، ج ۲: ۶۸۰).

– کاخ‌های ملوک الطوائف:

طراحی ساختار سرسراهای کاخ‌های اموی در این دوره ادامه پیدا می‌کند. فن معماری کاخ‌ها در این دوره به اوج خود می‌رسد و با توجه به تمایل به بوستان کاری که از ویژگی‌های مسلمانان اسپانیا بود، کاخ‌های آنان با باغ‌ها آرایش می‌یافت، نوعی امتزاج طبیعت را با معماری در این دوره شاهد هستیم. نظیر این طراحی کاخ‌ها را در «المزینیه» کاخ بنی عباد می‌توان دید که درختان و باغ‌های فراوان آن را احاطه نمودند (ابن خاقان، ۳۲۰ هـ، ۹۰۰: المقری، ج ۶: ۱۴). دومین ویژگی کاخ‌ها، ساختار سقیفه‌ای که جلوی تالار کاخ‌ها و در نمای آن واقع است، نظیر کاخ اشبیلیه در

دوره بنی عباد، که بعدها مورد تقلید کاخ‌های الحمراء در غرناطه قرار می‌گیرد (ساله، ۱۹۷۷: ۱۰۰). سومین ویژگی کاخ‌های ملوک الطوائف ساختار حوض‌های مرمرین که در وسط سراسراها است و تالارها در این دوره به دریاچه‌های مصنوعی تبدیل می‌شوند، نظیر کاخ مأمون بن ذی النون در قرن پنجم، در طلیطله، که در آن دو دریاچه قرار داشت که در گوشه‌های آن مسجدهایی از شیران مسی و یا برنز ساخته شده بود (مقدی، همان، ج ۵: ۳۹۵)، نظیر این دریاچه‌های مصنوعی در «منیه البحیره» در اشبیلیه و تالار «الوحید» واقع در «کاخ مبارک» در «اشبیلیه» که معقد بن عباد آن را ساخت و گفته شده که اکثر اوقات در کنار برکه می‌نشست و دستور می‌داد تا شمع‌هایی را روشن کنند (ابن خاقان، ۱۳۲۰ هـ، ۸-۲۴).

- کاخ‌های مرابطین و موحدین:

در دوره‌های مرابطین شاهد طراحی جدید در حیاط و سالن کاخ‌ها هستیم، دو دوره‌های قبل از مرابطین همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد طراحی حیاط به این صورت بود که در وسط حیاط کاخ‌ها برکه‌هایی وجود داشت که در گوشه‌های آن مجسمه‌هایی از شیران فلزی، نصب می‌کردند نظیر آنچه در کاخ طلیطله وجود داشت و یا حوض‌هایی از آب در وسط حیاط کاخ وجود داشت که در وسط حوض فواره‌ای قرار می‌گرفت. یا اینکه حوض با مجسمه‌هایی از حیوانات و پرندگان احاطه می‌شد. مانند کاخ الزهراء. در خصوص سالن‌ها نیز تغییراتی نسبت به گذشته در این دوره ایجاد شد این طراحی جدید در کاخ منتقوت که بقایای آن در مدینه کشف گردیده، نمایان است. این کاخ در چهار کیلومتری شمال شرقی مرسیه قرار دارد. در وسط کاخ، ایوان مستطیل شکلی قرار دارد. به محض ورود به داخل، یک ردیف اتاق‌های فراخ مشاهده می‌شود که به حیاط مستطیل داخلی راه می‌یابد. این حیاط به عنوان باغ طراحی شده بود زیرا راه‌های محروی آن فضا را به چهار بخش تقسیم می‌کند. در انتهای بازوی طولانی‌تر حیاط یک عقب‌نشینی یک گوشه منفرد قرار دارد و پیش‌درآمدی است که رشد یافته آن را در حیاط شیران در الحمراء خواهیم دید (براند، همان: ۴۴۸) البته این طراحی قبل از این در اتاق‌های پذیرایی سلطنتی قلعه بنوحاماد توسعه یافته بود و کمی بعد در کاخ عزیزه در پالمو یافت شد. موضوع باغ حیاط چلیپا شکل در همین حیاط کاخ مرابطین مراکشی ادامه یافت. (براند، همان). دوره موحدین در طراحی کاخ‌های خود ساختار تالارهای مشرف به دریاچه‌ها را به کار بردند. این نوع طراحی در کاخ «البحیره» واقع در خارج باب جمهور اشبیلیه مشاهده می‌شود. کافی که ابویعقوب یوسف بن

عبدالؤمن دستور به ساخت آن در سال (۱۱۷۱/۵۵۶۷) داده است (ابن صاحب الصلوات، ۱۹۶۴: ۶۱).

- کاخ‌های غرناطه:

در عصر بنی احمر معماری کاخ‌ها ویژگی خاص خود را داشت. در این دوره ساختار طراحی کاخ‌ها پیشرفت بسیاری داشته است. ساختار رواق‌های عمودی بر دیوارهای صدر تالارها از بین می‌رود و سراسراها به دیوارهایی که سایب نهایی طاق دار بر آنها پراکنده شده، و بر مناظر طبیعی اشراف دارند، محدود می‌گردد. معمار در این دوره بر تزئین زیبای بنا برای فرار از فضای خالی تزئین در دوره‌های قبلی تکیه می‌کند لذا دیوارهای کاخ‌ها از انواع تزئینات پوشانده می‌شوند که این تزئینات که از پایین دیوارها تا سقف آن را شامل می‌شود (عبدالعزیز، ۱۹۷۷: ۱۰۳). نمونه بارز کاخ‌های غرناطه در الحمراء نمود پیدا می‌کند. الحمراء کامل‌ترین کاخ اسلامی حفاظت شده و بازمانده از سده‌های میانه الحمراء و شاهکاری رقیب هنر اسلامی است. الحمراء مجموعه‌ای از چندین کاخ است و مشتمل بر چندین قسمت مجزا که در دوره‌های مختلف ساخته شده‌اند که هر حاکم، ویژه به خود بنا کرده است. ایده اصلی موجود در چند ساختمان این مجموعه، کوشش‌هایی برای به وجود آوردن بهشت بر روی زمین بوده است. الحمراء طرحی سه بخشی دارد که از غرب به شرق مشتمل بر ارگ، مجموعه کاخ و ضمیمه اقامتگاهی است. هسته اصلی الحمراء مجموعه کاخ‌های آن است، که خود آنها از طراحی سه‌بخشی پیروی می‌کند (براند، همان، ۴۵۲). بخش اول سرسرای بار عمومی، مشتمل بر اتاق‌های محافظین، اصطبل‌ها و یک نمازخانه، بخش دوم، دیوان که مشتمل بر اتاق‌های کارمندان دربار، بخش سوم حرم است که حیاط شیران کانون آن را تشکیل می‌دهد. در حقیقت نگین طبیعی مجموعه، حیاط شیران است که وجه تسمیه خود از سکا به مرمرینی دارد که بر گرده دوازده شیر سوار است (همان).

مراودات قاهره با اندلس - مغرب

- سیاسی

آغاز مراودات مؤثر در نقل و انتقالات عناصر معماری مربوط به اواخر قرن ۹ میلادی آغاز قرن ۱ میلادی/۴ و ۵ هجری قمری است. آغاز مراودات زمانی رخ داد که حکم بن هشام گروهی از انقلابیون قرطبه را به مصرف تبعید کرد. ابن القوطیه می‌گوید:

آن‌ها اجازه داد شد که از قرطبه خارج شوند، پس پراکنده شدند و به ساحل در شهر بربرها رسیدند، در آنجا مستقر شدند، گروه بزرگی از آنها که تقریباً پانزده هزار نفر بودند جدا شده و از راه دریا به اسکندریه رسیدند» (ابن القوطیه قرطبی، ۱۸۶۸: ۵۱). جریان بعدی که در اواخر قرن سوم هجری رخ داد پیروزی دعوت سری فاطمیان شیعی که ۱۵۰ سال استمرار داشت و بالاخره به تأسیس خلافت فاطمی در شمال آفریقا در ۲۹۷هـ/ ۹۰۸م. منجر شد (امین فؤاد سید، ۱۹۹۲: ۵۳). خلیفه مهدی که موفق به تأسیس دولت فاطمینان شده بود به ساخت پایتخت خود به نام مهدیه مبادرت ورزید (کلنفورد، ۱۹۹۵: ۱۰۵۷). از زمانی که مهدی خلیفه به آفریقا رسید متوجه این امر شد که آفریقا مکانی نیست که بتواند اهداف خلافت فاطمیان را برآورده کند، لذا چاره‌ای نداشت جز اینکه به سوی مشرق و بالاخص به مصر روی بیاورند (امین فؤاد، همان: ۵۶). لذا در محرم سال ۳۵۸ هجری/ ۹۶۸م. المعزالدین الله به جمع‌آوری سپاهی بالغ بر صد هزار که اکثر آنها از قبایل بربری و بالاخص کتامه و زویله از صقالبه، پرداخت و در رأس سپاه جوهر الصقلی را فرمانده قرار داد تا سپاه را به سوی فتح مصر رهبری کند. جوهر صقلی روز شنبه ۱۴ ربیع الاول سال ۳۵۸هـ/ ۹۶۸م. به سوی سپاه شتافت تا مهم‌ترین هدف فاطمیان را برآورده کند و آن چیزی نبود جز فتح مصر (ابراهیم احمد العمروی، ۱۹۹۵: ۱۲۹).

علی‌ای حال پیروزی مصر و فتح آن توسط فاطمیان تأثیر ناپذیری در مهاجرت تعداد زیادی از قبائل بربر به سوی مصر داشت. و علت آن هم این بود که فاطمیان در تأسیس دولت خود در مغرب بر قبایل بربر بالاخص کتامه، بسیار تکیه کرده بودند پس یک امر طبیعی بود که با انتقال فاطمیان به مصر بسیاری از آنها همراه با فاطمیان باشند (احمد عبداللطیف حنفی، ۱۹۹۹: ۱۲۹).

- تجاری

تجارت داخلی و خارجی در عصر فاطمیان گسترش بسیاری یافت. اسکندریه از زمان استیلاء فاطمیان بر مصر به حق درب مغرب و دروازه اصلی هنرهای متبادل بین شرق دریای و غرب آن، و مجمع تجار از همه نقاط جهان گردید (عبدالعزیز سالم، ۱۹۹۲: ۴۳۲). در حقیقت تجارت از مهم‌ترین عواملی به شمار می‌آید که در ایجاد روابط بین مصر و مغرب دخیل بوده است. از اختلاف موارد اقتصادی بین مصر و بلاد مغرب به این نتیجه می‌رسیم که حرکت تبادل تجاری بین آنها وجود داشته و شاهد گسترش آن بین مصر و بلاد مغرب قبل از فتح فاطمیان و بعد از آن هستیم (احمد عبداللطیف حنفی، همان: ۴۴-۴۵).

- سفرهای حجازی از مهم‌ترین اسباب رحلت اهالی مغرب به سوی مصر سفر مردم مغرب و اندلس به حجاز برای ادای فریضه حج و زیارت قبر رسول ﷺ بود. زیرا در مسیر رفتن به حجاز، مصر به عنوان یکی از راه‌های اصلی به حج در مسیر آنها قرار می‌گرفت. (محمد محمد الکحلوی، ۱۹۹۴: ۱۵).

- سفرهای علمی

از دیگر سفرهای اهل مغرب به مصر، سفرهای علمی بود. زیرا مصر به عنوان یکی از مراکز علمی در مشرق اسلامی به شمار می‌رفت که علما از مغرب اسلامی برای دیدن علماء و مراودات علمی به خصوص در الازهر به آنجا می‌شتافتند. در الازهر رواقی به علمای مغرب اسلامی اختصاص داده شد که «رواق مغرب» شهرت یافت (الکحلوی، ۱۹۹۲: ۱۴).

سفرهای زیارتی: مقصود زیارت ضریح آل بیت و مشهدها، در مصر توسط اهل مغرب، زیرا در مصر تعداد زیادی از مشاهد اهل بیت وجود داشت که مردم مغرب بر زیارت این شاهد مبادرت می‌ورزیدند. (همان: ۱۶).

تفاوت معماری قاهره با معماری اندلس - مغرب

- معماری قاهره: با ورود فاطمیان به مصر، مصرف از عنوان دار الاماره به دار الخلافه تغییر وضعیت دارد (حسن ابراهیم، حسن، ۱۹۹۱، ج ۳: ۴۵). فاطمیان به تأسیس شهر قاهره پرداختند و این شهر را به عنوان پایتخت خود برگزیدند. آنها به ایجاد مساجد و بناهای مذهبی در قاهره پرداختند. در این دوره شاهد ایجاد بناهایی هستیم که با عنوان مشاهد شهرت یافت. (Ray mond (A); 2001; 57) نمونه این آثار مذهبی مشهد الجیوسی ۱۰۸۵/هـ ۴۷۸ م. مشهد السیده رقیهف مشهد عاتکه ۵۱۴/هـ ۵۱۹ م...

به سخن سیاحان و مورخان، دستاورد برجسته خلفای فاطمی در زمینه معماری، کاخ‌های آنان بود. اما متأسفانه از آنجا که از این کاخ‌ها بقایای زیادی به جز برخی مکتوبات بر جا نمانده و تجربه بصری ما از معماری فاطمی تنها به چند بقعه و مسجد منحصر می‌شود. مسجدهای فاطمی نقشه مسجدهای ستون‌دار، با طاقگان ستون‌بندی شده دور تا دور صحن را حفظ کرده است. البته از ساختمان آنها از قوس جناغی استفاده کرده‌اند. که معمولاً بر روی سرستون‌های قرنتی پیش از اسلام نهاده شده است. از نوعی سرستون اسلامی به شکل زنگوله نیز استفاده شده است (دوریس برن - ابوسیف، همان: ۱۵) محراب مساجد فاطمی از لحاظ معماری همواره در حال

توسعه بوده است، مثلاً با افزودن گنبدی بالای آن، یا ساخت بازویی عرضی (الازهر و الحاکم هر دو این را دارند)، عریض کردن راهه مجاور دیوار قبله (مسجد الاقمر)، یا عریض کردن راهه عمود بر محراب (مسجد صالح طلائع) (همان). هم‌ردیف ساختن نمای مسجد با خیابان، که از ویژگی‌های معماری قاهره در قرون میانه به شمار می‌رود، اولین بار در دوره فاطمی به چشم می‌آید. مسجد الاقمر متقدم‌ترین نمونه موجود و نیز متقدم‌ترین نمونه باقی مانده از نمای یک مسجد با تزیین بسیار است. تزیین نمای پیش مسجد با تو نشستگی‌هایی که پنجره‌ها را در آنها کار گذارده باشند، نخستین مرتبه در مسجد صالح طلائع دیده می‌شود؛ ساخت مسجد در بالای مغازها نیز در صحن دور آغاز شد. شکل مناره‌های دوره فاطمی تطور روشنی را از مناره‌های الجیوشی تا ابوالغضنفر به شکل موسوم به مبخره یا بخوردان نشان می‌دهد؛ واژه مبخره را که سول برای میله ستون چهارگوشی که بخشی هشت گوش با کلاهکی آج‌دار را نگه می‌دارد، به کار برده است، البته شکل صحیح نوع بخوردان را هم به ذهن متبادر نمی‌کند. برای تزیین بناهای خود از مرمر استفاده می‌شد، گچ‌بری‌ها و کنده‌کاری‌های روی چوب و سنگ نشان دهنده نقوش گل و گیاهی، نقوش اسلجی برگرفته از نقش مایه‌های سامرا و بیزانس و طرح‌های مهندسی است. نوار کتیبه‌های به خط کوفی، با تزیینات پرتکلف بسیاری اجرا شده‌اند. شبک پنجره‌ها دارای نقش گل و گیاهی و هندسی است و برای نخستین بار به کاربرد شیشه در طارمی مشبک گچبری برمی‌خوریم که بعدها به ویژگی رایجی تبدیل می‌شود. در دوره فاطمی برخی ویژگی‌های تزیینی نظیر تاقچه‌های دارای قوس جناغی با سرسایه شیاردار، شعاعی، که با تنوع به مضمون کلاسیک متأخر در هنر قبطی کاربرد زیادی داشت، پدیدار شد. این سرسایه‌های شیاردار بایستی الهام‌بخش معماران برای ساخت گنبد‌های قاشقی‌دار بوده باشد که این سبک در معماری مملوکیان ادامه داشت. اما استفاده از نوار کتیبه‌های دور طاق‌ها ادامه پیدا نکرد و به همان دوره فاطمی محدود ماند.

- معماری مغرب و اندلس: بارزترین ویژگی معماری مغرب و اندلس کنگره‌های دندان‌دار چوبی بر فراز دروازه‌ها و نیز طاق‌های بلندی است که درون آنها با مقرنس پوشیده شده است. بیشتر مناره‌ها چهارگوش و پوشیده از کاشی و ستون هستند. در معماری اندلس - مغرب کاربرد گچبری‌ها، حوض‌ها و فواره‌ها و نیز استعمال رنگ طلایی در تزیینات، فراوان به چشم می‌خورد. ویژگی معماری اندلس - مغرب به خصوص در بنای مسجد جامع قرطبه جلوه‌گر شد. و پس از این، در دوره مرابطین موحدین پدید آمد و شکوفا گردید (انور الرفاعی، همان: ۴۹). در حقیقت

پیوستگی حکومت مغرب و اندلس نوعی تشابه به ویکسانی اسلوب‌های معماری را در این دو ناحیه به ارمغان آورد. این سبک معماری در مراکش تا دوره سلسله شریفان سعدی مراکش (قرن ۱۰ و ۱۱ ق/ ۱۶ و ۱۷ م) ادامه یافت و پس از آن رو به انحطاط نهاد.

شباهت معماری قاهره با معماری اندلس - مغرب

۱. مدخل اصلی

ورودی‌ها قبل از دوره فاطمیان در مصر به شکل دهانه‌ها نمود داشت. همان‌گونه که در مسجد جامع ابن طولون مشاهده می‌شود (عبدالله کامل موسی، ۲۰۰۲: ۱۶۶). مدخل اصلی در جامع الازهر در جهت شمال غربی و مانند مدخل جامع الحاکم بامر الله است و دروازه اصلی بر بالای مدخل اصلی قرار داشت (حسن عبدالوهاب، ۱۹۹۳: ۴۹).

۲. رواق عمودی

رواق عمودی از ویژگی‌های مشخص معماری مساجد در مغرب است. این عنصر معماری در مسجد جامع قیروان، جامع زیتونه در تونس و مسجد الغروبین در فاس به کار رفته است (عبدالناصر یاسین، ۲۰۰۲: ۷۶۱). علی‌رغم اینکه رواق‌های عمودی عنصر معماری است در آغاز در شام و مسجد جامع اموی دمشق به کار رفته بود. از شرق اسلامی به غرب آن متصل گردید و به تاسی از مغرب اسلامی در مصر ظاهر شد (کریزویل، ح ۱: ۵۳). این عنصر معماری در قاهره مسجد جامع الازهر و همچنین جامع الحاکم بامرالله به کار رفت (R), Ettiirghousen (1250; 179).

۳. گنبد بالای محراب: گوشه‌های منحنی

رواق عمودی به گنبدی در بالای محراب منتهی می‌شود. این نوع طراحی در جامع الازهر و جامع الحاکم بامر الله به کار رفته است. این سبک گنبدها دقیقاً در برخی مساجد جامع مغرب اسلامی به کار رفته است. و در اصل متأثر از شمال افریقا است. منطقه انتقال در این گونه گنبدها از چهار گوشه منحنی تشکیل گردیده همان‌گونه که در مساجد جامع مغرب به کار رفته است (صالح لمعی، ۱۹۸۴: ۱۷).

۴. اضافه کردن رواق بر صحن

خلیفه حاکم وسعت صحن مسجد جامع را کم می‌دانست. لذا رواقی را بر آن اضافه کرد که چهار طرف صحن را احاطه می‌کرد و گنبدی بر رأس رواق قرار داد. شیوه اضافه کردن رواق بر صحن نیز یکی دیگر از شباهت‌های موجود بین معماری مصر و بلاد مغرب است. حسن بن عبدالوهاب، در کتاب خود به نام تاریخ المساجد، این شیوه را در مساجد جامع عقبه، سوسه، والزیتونیه در تونس مشاهده کرده (حسن عبدالوهاب، همان: ۵۱). نظیر همین شیوه از معماری در مسجد الازهر و الحاکم در قاهره وجود دارد.

۵. گنبد البهو

اضافه کردن کوشک گنبددار در انتهای شمالی رواق عمودی راسته طراحی از معماری بوده که مختص به دوره اغالباین در شمال آفریقا است. در مغرب اسلامی نظیر آن را در گنبد «البهو» در جامع قیروان و گنبد دیگری به همین شیوه در جامع تونس و القرویین فاس وجود دارد. این شباهت در طراحی گنبد‌های مغرب در جامع الازهر و جامع الحاکم بامر الله در قاهره دقیقاً وجود دارد. به احتمال زیاد فاطمیان آن را از شمال آفریقا به قاهره منتقل کرده باشند (کریزویل، ۲۰۰۰: ۱۳۰).

۶. مناره‌ها

وجود دو مناره بیرون زده در گوشه‌های نمای مسجد، و مدخل اصلی شیوه‌ای بود که قدیمی‌ترین نمونه آن به جامع مهدیه تونس برمی‌گردد. و بعد از آن در مناره مسجد جامع سوسه و مناره مسجد جامع قرطبه و همچنین مناره مسجد جامع صفاقس نمایان گشت. (Raymond 59: A). شبیه چنین مناره‌هایی در قاهره و در مسجد الحاکم بامر الله وجود دارد که بدون شک ملهم از سبک معماری مغرب - اندلس است.

۷. پیش‌طاق گنبد الحافظ لدین الله

از افزوده‌های دوره فاطمی به مسجد جامع الازهر ایجاد گنبدی در جلوی بازوی جانبی مسجد بود که این کار در خلافت حافظ لدین الله صورت گرفت. شش طاقگان قالب مانند در گنبد الحافظ یکی دیگر از عناصر معماری در قاهره دوره فاطمی است که ملهم از معماری مغرب اندلسی می‌باشد. (عبدالعزیز سالم)

۸. پنجره‌ها

پنجره با طارمی گچبری شده که حروف کشیده کوفی آن واژه «الله» را می‌سازد؛ این نقش به گونه‌ای متقارن از راست به چپ و از چپ به راست تکرار می‌شود، تو گویی نقش آن در آینه‌ای افتاده است. این شیوه که به شمال آفریقا، البته به تاریخی متأخرتر از آن تعلق دارد در مسجد جامع الحاکم به کار رفته است. شیوه پنجره در مسجد جامع الحاکم شبیه به مسجد جامع قرطبه نیز هست. این شیوه نیز به عنوان تزئین بالای درب مقصوره قدیمی در مسجد جامع قیروان به کار رفته است (عبدالناصر یاسین، همان: ۷۷۰).

۹. ساختار مسجد معلق

مساجد مرتفع از سطح زمین برای اولین بار در قاهره، در مسجد الصالح طلّاع نمود پیدا کرد. این شیوه از بنا متأثر از مغرب می‌باشد که در مسجد جامع الرباط در سوسه و المسنفر در سوسه قرن سوم به کار رفته است/کویزویل، همان، ۲۹۹۰).

۱۰. سقیفه ورودی

طراحی سقیفه‌ای که قبل از در ورودی اصلی قرار می‌گیرد، اولین بار در مسجدهای جامع مغرب اسلامی، نظیر مسجد جامع اُبی فتّاه در سوسه به کار رفته است و شبیه چنین طراحی در قاهره، در مسجد الصالح طلّاع نمود یافت (عبدالناصر یاسین، همان: ۷۹۸).

۱۱. خط کوفی

تشابه بین کتبه خط کوفی در جامع الازهر به عنوان عنصر تربیتی با کتبه‌های خط کوف موجود در مغرب اسلامی وجود دارد به احتمال بسیار فاطمیان این شیوه از تزئین به خط کوفی را از شمال آفریقا به قاهره و در مسجد جامع الازهر منتقل کرده‌اند. (عبدالناصر یاسین، همان: ۷۶۴).

۱۲. آراستن و گچبری

از دیگر مظاهر تأثیرات اندلس - مغرب تأثیرات بر تزئینات معماری فاطمیان است. گچ‌بری با نقش مایه‌های گچبری و تزئینی در آثار مدینه الزهراء و در زیاده الحکم در مسجد جامع قرطبه دیده می‌شود (همان: ۷۶۵).

۱۳. نقش مایه درختی

در برخی تزئینات گچبری طاقگان در مدخل مسجد جامع الحاکم بامر الله در قاهره، نقش مایه درختی انتزاعی به کار رفته است. این اشکال، شباهت تام با تزئینات موجود در مسجد جامع قرطبه دارد (کریزویل، همان: ۸۴).

نتیجه

از مباحث مطرح شده در مقاله حاضر این نتیجه حاصل گردید که در معماری مصر تا قبل از خلافت فاطمیان سبک بومی خاصی در هنر و معماری قاهره ظهور نیافت. مسجد ابن طولون، با وجود برخورداری از تحولاتی چند، هنوز محصول هنر دربار عباسیان مستقر در سامرا به شمار می‌رود. اگرچه ظهور دودمان جدید در عرصه حکومت به خودی خود مستلزم ایجاد دگرگونی در معماری است اما به هر حال هر دستگاه سیاسی تازه لزوماً محیط معماران و صنعتگران را شکل داده، موجب تأثیر تازه‌ای بر شیوه‌ها و تجارب موروثی‌شان می‌گردد. حکومت فاطمی، مصر را از ایالتی خراج‌گزار بغداد به مرتبه خلافت مستقل ارتقا داد، آن هم با انتخاب قاهره به عنوان پایتخت.

معماری دوره فاطمی نشان دهنده کاربرد ترکیبی از عناصر معماری بیزانسی، سامرای، شمال آفریقا، قبطی است. آنها از سال ۳۵۹ تا ۵۶۷ بر مصر حکومت کردند و خاستگاه آنان شمال آفریقا بود، جایی که پیش از غلبه بر مصر توانسته بودند حکومتی را در آنجا برپا کنند بدون شک فاطمیان در معماری خود از بسیاری عناصر معماری مغرب اسلامی تأثیر پذیرفتند. ساختمان مساجد در این دوره مستطیل شکل و سقف آنها گنبددار، طاق‌ها نیم دایره تیز و پایه شکل بریده ناقصی از نعل اسبی، مناره‌ها بیشتر چندضلعی و گاهی چهارگوش هستند. طرح اصلی کاخ‌های دوره فاطمی را قاعه تشکیل می‌داد.

سبک مغرب و اندلسی که در بنای مسجد جامع قرطبه جلوه‌گر است بعد از آن در دوره مرابطین و موحدین پدید آمد و شکوفا گردید پیوستگی حکومت مغرب و اندلس نوعی تشابه و یکسانی اسلوب‌های معماری را در این ناحیه به ارمغان آورد. بارزترین ویژگی سبک معماری مغرب و اندلس کنگره‌های دنداندار بر فراز در دوازدها و نیز طاق‌های بلندی است که درون آنها با مقرنس پوشیده شده است. بیشتر مناره‌ها چهارگوش و پوشیده از کانی و ستون هستند. در سبک معماری اندلس و مغرب اهتمام بسیاری به تزئینات داده شده است، کاربرد گچبری‌ها،

حوضها و فواره‌ها، استعمال رنگ طلایی در تزئینات، مجسمه‌های مختلف فراوان به چشم می‌خورد. کاخ‌های مغرب و اندلسی نیز با هنر معماری دقیق، سبک بسیار ظریف رواق‌ها و ستون‌های ضخیم، گنبدها، سقف‌های آراسته و نقاشی‌های زیبا، تالارهای وسیع و مرتفع قابل توصیف است. بین دو سبک معماری متفاوت قاهره و مغرب - اندلس شباهت‌هایی وجود دارد که این شباهت‌ها معلول عواملی چون سیاست تجارت، سفرهای علمی و زیارتی است. فتح مصر توسط فاطمیان از مهم‌ترین راه‌های انتقال معماری مغرب - اندلس به قاهره است. در اثبات فرضیه این مقاله مبنی بر این که معماری قاهره در دوره فاطمیان بیشترین تأثیرپذیری را از مغرب - اندلس داشته است میتوان به موارد ذیل اشاره نمود.

* از مهم‌ترین عنصر معماری موثر در معماری فاطمیان در قاهره ورودی‌های کج مانند است. این نوع ورودها که در معماری مساجد جامع الازهر، الحاکم بامرالله و مسجد الاقمر در قاهره نمایان است بدون شک تحت تأثیر ورودهای مساجد مغرب - اندلس می‌باشد.

* عنصر دیگر رواق‌های عمود است. این عنصر معماری اولین بار در مسجد جامع اموی در دمشق به کار رفت و بعدها تحت تأثیر مساجد مغرب در زیتونیه و قیروان به قاهره منتقل و در مسجد جامع الازهر و الحاکم بامرالله به کار رفت.

* عنصر معماری دیگری که متأثر از معماری مغرب - اندلس است و در سبک معماری فاطمیان در قاهره قابل مشاهده است اضافه کردن رواق بر صحن و گنبد الیهو و البشتاک است. این عنصر معماری (اضافه کردن رواق) تقلیدی آشکار از سبک معماری مغرب - اندلس است که در مسجد عقبه و جامع الکبیر در سوسه به کار رفته است.

* شیوه قرار گرفتن منارها در مساجد قاهره در دوره مورد بحث نیز از موارد دیگری است که متأثر از معماری مغرب - اندلسی است.

* همچنین، کنگرهای دنداندار که مشخصه بارز سبک معماری مغرب - اندلسی است، مورد تقلید معماری قاهره در دوره فاطمیان قرار گرفته است.

* گنبدهای چندضلعی، از جمله عناصر به کار گرفته در ساختار بنای السیده عاتکه و مشهد رقیه در قاهره است. این مورد نیز از تأثیرات مغرب - اندلس بر معماری قاهره در قرن چهارم و پنجم می‌باشد.

١٦٠ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال پنجم، شماره ١٠، پاییز و زمستان ١٣٩٦

منابع

١. قرآن کریم
٢. ابن الابرار (١٩٦٣)، الحلة السیراء، تحقیق حسین مونس، القاهرة.
٣. ابن بطوطه (١٩٦٠)، رحلة ابن بطوطه، بیروت: طبقة صادر.
٤. ابن حیان (١٩٥٤)، نصوص من المقتبس خاصة بزيادة عبدالرحمن الاوسط فى جامع قرطبه، لیدن: نشر لیفی بروفنسال، مجله اریکا.
٥. ابن خلکان (بی تا)، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار احیا التراث العربی.
٦. ابن عذارى (١٩٥٠)، البیان المغرب فى اخبار الاندلس و المغرب، تحقیق لوی پرونسال، بیروت: دار الثقافة.
٧. ابن صاحب الصلاه (١٩٦٤)، تاریخ المن بالمامة على المستضعفین، تحقیق د. عبدالهادی، بیروت.
٨. ابن القوطیه قرطبی (١٨٦٨)، تاریخ افتتاح الاندلس، مدريد.
٩. ایمن فؤاد سید (١٩٩٢)، الاسلامیه فى مصر، الدارالاسلامیه المصریه البناییه، الطبعة الاولى.
١٠. ابراهیم احمد العدوی (بی تا)، مصر الاسلامیه.
١١. احمد فکری (١٩٦١)، المدخل الى مساجد القاهرة و مدار سعا، الاسکندریه.
١٢. احمد عبدالطیب خنفی (بی تا)، المغاربة و الاندلسیون فى مصر، القاهرة.
١٣. احمد کمال عبدالفتاح (١٩٨٧)، «حول العمارة فى مصر»، المجلة المعاریه «معمار»، جمیعة المهندسیین المعماریین، العددان ١٤ و ١٣، القاهرة.
١٤. احمد فرید مصطفی (١٩٩٨)، «القیم السلامیه فى العمران»، مجلة النبأ، السعودیه: الجزء الاول، عدد ٤١.
١٥. انور الرفاعی (١٣٧٧)، تاریخ هنر در سرویس های اسلامى، ترجمه عبدالرحیم قنوات، مشهد: جهاد دانشگاهی.
١٦. براند (١٣٨٠)، رابرت هیلن، معماری و هنر اسلامى، ترجمه اردشیر اشرفی، تهران: روزنه.
١٧. حسین مونس (١٩٨١)، المساجد، الكويت: عالم المعرفة، العدد ٣٧.
١٨. حسن ابراهیم حسن، تاریخ السلام الدینی و السياسى و الاجتماعى، بیروت: دار الجیل.

١٩. حسن عبدالوهاب (١٩٩٣)، تاريخ المساجد، أوراق سرقيه، بيروت: الطبعة الثانية.
٢٠. دوريس برن - ابوسيف (١٣٩١)، معمارى اسلامى در قاهره، مترجم اردشير اشراقى، تهران: فرهنگستان هنر.
٢١. صلاح عاشورا (١٣٨٠)، «العمارة الاسلامية فى سوسة»، المجلة.
٢٢. عبدالباقي ابراهيم (١٩٩٠)، اسس التصميم المعمارى والتخطيط الحضرى فى العصور الاسلامية المختلفة، منظمة العواصم والمدن الاسلامية، القاهرة.
٢٣. عبدالعزيز سالم (١٩٦٠)، المغرب الكبير، ج٢، الاسكندرية.
٢٤. عبدالعزيز سالم (١٩٥٨)، «اثر الفن الخلفى بقرطبه فى العمارة المسيحية باسبانيا و فرنسا»، مجلة المجلة، عدد ١٤، القاهرة.
٢٥. عبدالعزيز سالم (١٩٩٢)، التأثيرات المتبادلة بين مصر والمغرب فى مجال فنون العمارة و الزخرفة.
٢٦. عبدالله كامل موسى (٢٠٠٢)، العباسيون و آثارهم المعمارية فى العراق و مصر و افريقيا، دارالافاق العربية (الطبعة الاولى).
٢٧. عبدالناصر ياسين، الفنون الحرفية الاسلامية فى مصر منذفتح الاسلامى و حتى نهاية عصر الفاطمى، الاسكندرية: دارالوفاء.
٢٨. عزه حسين رزق (١٩٩١)، تأصيل القيم المعمارية الاسلامية فى العمارة المصرية، الرباط.
٢٩. عماد جعفر (١٩٩١)، تأثير المنصج الاسلامى على الطبايع و النفسية فى تخطيط المدينة، المنصج الاسلامى فى تصميم المعمارى والحضارى، الرباط.
٣٠. كرسول (١٣٩٣)، كذرى بر معمارى متقدم مسلمانان، بازنجرى جيمز آلن، مترجم مهدي گلچين عارفى، تهران: فرهنگستان هنر.
٣١. كريزول (ك. أ. س). العمارة الاسلامية فى مصر فى العصرين الاخشيدى و الفاطمى.
٣٢. محمد بدر الخولى (١٩٧٥)، المؤثرات المناخية و العمارة العربية، جامعة بيروت العربية.
٣٣. محمد محمد الكحلاوى (١٩٩٢)، التأثيرات الفنية المتبادلة بين فرق العالم الاسلامى و عربا فى محال الفنون الزخرفية، القاهرة.
٣٤. م. مزحات طاشكندى (١٩٨٦)، مقدمة التعريف العمارة الاسلامية، العدد ٣١.
٣٥. مقرى (بى تا)، نفح الطيب، تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد، بيروت: دارالكتب

العربی.

36. Ernst. Grober 1978. Architecture of the Islamic world.

37. Castejon (1943) Exca vaciones del plan nacional ???
Medina- Azahara campana, Madrid.

38. Raymond (2001): cairo the city of the history American
unwersity in cairo- Egypt.

39. Munzer (1951): Viajopor Espanay portagal, trad, hasta??
Caida del caliFd to de cardoba. Madr id.

40. Torres Balbas (1952): Arte his pano, musulman, hasta la
caida del califat to de cordoba, Madrid.

41. Lambert (1949): les mosques de type and alouen en
Españe et enAFrique danord, Al-Andalus, Vol, xiv.

42. Herz Feld (1912). Erster vorlau Figer Bericht uber diaAus
grabunyen Von samarra. Berlin.

43. Grabar;olg;(1966)theEavliest Islamic Commemrative
Strucrures;Arsorientalis.

44. Place;v;Ninive;et I Assyrie;avecdes;Essaiasde
Restouyation per felex;paris.

45. Ballesteros;(1913) Sevillael sigloxIII;Madrid.

46. Maxmiliano;Los(1940);Documents arabes diplomatics del
archive de lacorona deAragon;Medrid-Granad.

47.Diealafoy;M.Lart;(1889)entique;de
lapers;Achemenides;Parthes;sasanidies;Paris.